

حساسیت‌های غرب به گستره نفوذ انقلاب اسلامی

جستارهایی پیرامون پروژه «اسلام‌هراسی» و «ایران‌هراسی»

غربی‌ها علیه انقلاب اسلامی

حمید حاذق‌نیکرو*

◆ مقدمه

رخداد کم‌نظیر انقلاب اسلامی ایران در جهان دین‌گریز و دین‌ستیز قرن بیستم، نشانه بحرانی جدی در جریان غالب سکولاریزه نمودن حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها به‌شمار می‌رود. هر چند فوری‌ترین اثر پیروزی انقلاب اسلامی تغییر نظام سیاسی بود اما روشن است که بدون پایه‌ها و مبانی فکری متقن و استوار، وقوع چنین تحول عظیمی ناممکن بود؛ به عبارت دیگر،

* دانشجوی دکتری اطلاعات راهبردی فرهنگی

«انقلاب فکری» مقدمه و زیربنای قیام ملت ایران علیه نظام استبداد شاهنشاهی است. بنابراین بدیهی بود که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز این تحول فکری رو به گسترش باشد و بستر رشد و شکوفایی هرچه بیشتر را طلب نماید.

انقلاب اسلامی در دهه‌های پایانی قرن بیستم، قرنی که از آن به عصر پایان ایدئولوژی‌ها و پایان تاریخ تعبیر می‌شد، بسان موجی خروشان بر اندیشه‌ها و نظریه‌های مادی‌گرایانه غربی و شرقی فرود آمد و بساطی نو در افکند. این انقلاب برخلاف دیگر انقلاب‌های مدرن، از رویکردی دینی و معنوی برخوردار بود؛ از اساس، نگرش دنیامحورانه و مادی‌گرایانه حاکم بر نظام تعامل جهانی را به چالش کشانید و موجی از امید و شور در میان ملل محروم جهان و جوامع اسلامی به وجود آورد لذا از همان ابتدا با مخالفت‌ها، کارشکنی‌ها، فضا سازی‌ها و فشارهای سیاسی، تبلیغاتی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی قدرت‌های سلطه‌جو به خصوص دولت فزون طلب امریکا و رسانه‌های صهیونیستی جهان مواجه گردید. لیکن به رغم این اقدامات و فشارها امروز پس از سه دهه از تحقق این معجزه قرن بیستم شاهد به بار نشستن ثمرات سیاسی و فرهنگی آن در اقصی نقاط جهان در قالب راهپیمایی‌ها و ابراز انزجار از اقدامات یکجانبه و استکباری امریکا و حمایت فراگیر از ملت مظلوم فلسطین در مبارزه با رژیم اشغالگر صهیونیستی و افزایش روند بیداری اسلامی در قالب تجدید حیات اسلام در جهان اسلام هستیم.

انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در تاریخ ایران، اسلام و جهان بوده است و رخدادی زلزله خیز و موج افکن در دهه های پایانی قرن بیستم محسوب می‌شود که بسیاری از رخدادهای جهان جدید را موجب شده است. این انقلاب در یک فرآیند تاریخی به تدریج نضج گرفت و بارور گردید.

اکنون پروژه «اسلام‌هراسی» شایع‌ترین اقدام غربی‌ها برای مقابله با گستره نفوذ انقلاب اسلامی در جهان است که تلاش می‌کنیم در این مقاله به بخش‌هایی از این پروژه بپردازیم.

◆ حساسیت‌های غرب و گستره نفوذ انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در داخل و خارج از کشور، ناظران جهانی را با پدیده‌ای نو در گستره فرهنگی و سیاسی جهان مواجه نمود. این پدیده بنا به ماهیت، اهداف و فطرت خود در هیچ‌یک از معیارهای فرهنگی و سیاسی جهان نمی‌گنجد؛ از این‌رو، شناخت عمیق و همه‌جانبه از راهبرد ها، ابعاد، عرصه، وجوه، ایدئولوژی، انعکاس، دستاوردهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و ویژگی‌های رهبری و عناصر موثر و شیوه‌های مبارزاتی در آن، همواره در سه دهه گذشته قابل تامل و توجه بوده است.

این نگرش بیانگر آن است که انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مؤثرترین پدیده‌های دهه‌های پایانی قرن بیستم، تأثیرات و بازتاب‌های گسترده‌ای در ایران، منطقه و جهان داشته و از ابعاد و جهات گوناگون مورد توجه و مطالعه صاحب‌نظران، ناظران، سیاستمداران و نظریه‌پردازان ایرانی به ویژه غیرایرانی واقع شده است. به طوری که طی سه دهه گذشته از وقوع انقلاب اسلامی، هزاران کتاب و مقاله تحقیقی و تحلیلی در توصیف، توضیح و تبیین آن به زبان‌های مختلف، به‌ویژه در دانشگاه‌ها و محافل آکادمیک غرب نگاشته شده که نشان از اهمیت و توجه مستمر به این پدیده شگرف و تاریخ‌ساز دارد. برای درک گستره توجه به انقلاب اسلامی، اطلاع از این آثار و محتوای آنها و مطالعه و ترجمه این گفته‌ها و نوشته‌ها، برای ایرانیان که پدیدآورندگان و صاحبان این انقلاب‌اند، ضروری و رهگشاست و در شناخت دقیق‌تر مسیر تکامل انقلاب اسلامی نیکو و مفید خواهد بود. این مطالعات و پژوهش‌ها تنها در یک کشور یا یک مجمع و محفل خاص چهره نبسته، بلکه در مراکز و مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی کشورهای اسلامی، اروپایی، امریکایی، آفریقایی و آسیایی صورت گرفته است. پارهای از این پژوهش‌ها از سوی اسلام‌شناسان و ایران‌شناسان علاقه‌مند به ایران نگاشته شده و پارهای نیز از سوی ایرانیان خارج از کشور؛ همچنین شماری از نوشته‌ها از سوی جامعه‌شناسان، محققان دنیای ارتباطات و استادان روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، اقتصاد و فرهنگ پدید آمده‌اند.

پرپیادست در میان این افراد عده‌ای به تبیین علمی پدیده انقلاب پرداخته‌اند و گروهی نیز با هدف شناخت برای مواجهه، مبارزه، ارتباط یا اثرگذاری، پژوهش‌هایی را سامان داده‌اند. بسیاری از آثار منتشرشده، با ابتدا بر روش‌های علمی، نظریات جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و ارتباطات، تدوین یافته‌اند و تلاش داشته‌اند تا موضوع و مقوله مشخصی را مورد بررسی قرار دهند؛ پس باید گفت که برخی از این آثار می‌توانند گوشه‌هایی از واقعیت‌های انقلاب اسلامی را بنمایانند.

برای دستیابی بدین هدف، ابتدا نمونه کتاب‌هایی که در خارج از کشور در خصوص انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و شخصیت، افکار و اندیشه‌های امام‌خمينی منتشر شده بود شناسایی گردید و پس از آن، یک گروه علمی صاحب‌نظر و متخصص در زمینه انقلاب اسلامی از بین ۵۷۰۰ کتاب در دسترس، براساس شاخص‌هایی، کتاب‌های تبلیغی و سطحی و عوامانه را کنار نهاد و از بین آنها ۵۰۰ کتاب به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، عربی و ترکی را انتخاب نمود. در مرحله بعد، از بین این کتاب‌ها، کتاب‌هایی انتخاب گردید که در آنها صبغه روش تحقیق علمی رعایت شده بود و مؤلفان بر آن بوده‌اند تا به‌زعم خود، بعدی از ابعاد انقلاب اسلامی را بازگو نمایند.^۱

در یک بررسی اجمالی در منابع موجود و همچنین کنکاش و بررسی موتورهای جست‌وجوی اینترنتی، آمار قابل توجهی در خصوص حوزه‌های نفوذ انقلاب اسلامی و مفاهیم و محورهای مرتبط به آن به‌دست می‌آید؛ بخشی از آن آمار چنین است:

الف. جست‌وجو در منابع فارسی

- صدور انقلاب اسلامی ایران ۳۹۳۰۰۰ رکورد
- صدور انقلاب از نظر امام‌خمينی ۵۴۰۰۰۰ رکورد

۱. جان. ال. اسپوزیتو، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، یادداشت ناشر، تهران، باز،

- صدور انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی ۳۲۰۰۰۰ رکورد
 - حوزه‌های نفوذ انقلاب اسلامی ۶۵۵۰۰ رکورد
 - تأثیر انقلاب اسلامی در مناطق جهان ۵۲۲ رکورد
 - تأثیر انقلاب اسلامی در کشورهای مختلف جهان ۱۰۱۰۰ رکورد
- ب. جست‌وجو در منابع لاتین (بررسی تحقیقات کشورهای غربی به‌ویژه امریکا و رژیم صهیونیستی در خصوص مبانی انقلاب اسلامی بر اساس تعداد رکوردها)
- با بررسی اجمالی تعداد رکوردهای کتب و تحقیقات انجام‌شده طی سال‌های گذشته نتایج زیر به‌دست آمده است:
- تحقیقات با کلیدواژه islamic revolution in iran (انقلاب اسلامی در ایران) ۲۹۵۰۰۰ رکورد
 - کتاب با کلیدواژه islamic revolution in iran (انقلاب اسلامی در ایران) ۴۹۳۰ رکورد
 - تحقیقات با کلیدواژه khomeini islamic revolution (انقلاب اسلامی خمینی) ۵۹۹۰۰ رکورد
 - کتاب با کلیدواژه khomeini islamic revolution (انقلاب اسلامی خمینی) ۲۴۶۰ رکورد
 - تحقیقات با کلیدواژه khomeini islamic revolution foundations (مبانی انقلاب اسلامی خمینی) ۶۵۷۰۰ رکورد
 - کتاب با کلیدواژه khomeini islamic revolution foundations (مبانی انقلاب اسلامی خمینی) ۷۳۴ رکورد
 - تحقیقات با کلیدواژه khomeini foundations (مبانی خمینی) ۱۰۵۰۰۰۰ رکورد
 - کتاب با کلیدواژه khomeini foundations (مبانی خمینی) ۸۹۰ رکورد
 - تحقیقات با کلیدواژه islamic revolution doctrines (دکترین انقلاب اسلامی)

- ۵۸۰۰ رکورد
 - کتاب با کلیدواژه islamic revolution doctrines (دکترین انقلاب اسلامی) ۱۰۱۱ رکورد
 - تحقیقات با کلیدواژه khomeini doctrines (دکترین خمینی) ۶۰۰۰۰ رکورد
 - کتاب با کلیدواژه khomeini doctrines (دکترین خمینی) ۱۱۰۶ رکورد
 - تحقیقات با کلیدواژه shattered khomeini foundations (متلاشی کردن/ از بین بردن مبانی خمینی) ۱۴۲۰۰ رکورد
 - کتاب با کلیدواژه shattered khomeini foundations (متلاشی کردن/ از بین بردن مبانی خمینی) ۸۱ رکورد
 - تحقیقات با کلیدواژه shattered khomeini islamic revolution (متلاشی کردن/ از بین بردن انقلاب اسلامی خمینی) ۵۹۳۰ رکورد
 - کتاب با کلیدواژه shattered khomeini islamic revolution (متلاشی کردن/ از بین بردن انقلاب اسلامی خمینی) ۳۹۱ رکورد
 - تحقیقات با کلیدواژه shattered islamic revolution in iran (متلاشی کردن/ از بین بردن انقلاب اسلامی ایران) ۱۳۵۰۰ رکورد
 - کتاب با کلیدواژه shattered islamic revolution in iran (متلاشی کردن/ از بین بردن انقلاب اسلامی ایران) ۶۳ رکورد
- بررسی رکوردها حاکی از آن است که کشورهای غربی به ویژه امریکا با همکاری رژیم صهیونیستی در دو مقطع، تحقیقات بسیار متنوعی در خصوص انقلاب اسلامی ایران انجام داده‌اند؛ مقطع اول؛ دهه اول انقلاب و مقطع دوم دهه اخیر می‌باشد. نتایج مطالعات و تحقیقات اخیر کشورهای غربی به طور عمومی نشان می‌دهد که لیبرالیسم غرب برای دفاع از تئوری‌های پوسیده و دموکراسی رنگورورفته خود در رأس این تحقیقات تخریب چهره آزادی‌بخش و عدالت‌خواه انقلاب اسلامی را هدف قرار داده است.

بر کسی پوشیده نیست که امروزه رسانه‌های غربی نقشی اساسی در ایجاد و تغییر نگرش افراد نسبت به جهان پیرامون و واقعیت‌های زندگی دارند، زیرا رخدادهای آن‌گونه که می‌خواهند بازنمایی می‌کنند. از همین رو رسانه‌ها یکی از عوامل مؤثر بر ساخت ذهنیت تک‌تک افراد جامعه نسبت به یک موضوع مشخص و به عنوان ابزار بازنمایی جهان واقعی و پیرامونی به‌شمار می‌روند. در این راستا رسانه‌های وابسته به نظام پوسیده سرمایه‌داری، متناسب با اهداف و ایدئولوژی خاص خود، تصویری از ایران و انقلاب اسلامی بازنمایی می‌کنند که میان آن تصویر بازنمایی‌شده و روایت شکل‌گرفته از آن با واقعیت، تفاوتی آشکار وجود دارد. نمونه‌هایی از عملیات روانی غرب علیه انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

- نادیده گرفتن نقش روحانیان و امام‌خمينی(س)
- طرح عناصر فرهنگ غربی(دموکراسی، آزادی) به‌عنوان مهم‌ترین مطالبات مردم
- سهیم دانستن عوامل خارجی در پیروزی انقلاب
- القای ناتوانی انقلاب اسلامی در تربیت دینی مردم
- اعتراض مردم به نبود دموکراسی در جامعه
- گسترش فساد و انحطاط اخلاقی جامعه
- روی‌گردانی جوانان و نسل‌های بعد، از انقلاب
- بازنمایی تصویری اغراق‌آمیز و غلط از دین و دستورات دینی در ایران
- القای مورد ظلم واقع شدن زنان در جامعه ایران
- القای فقر و اوضاع نامساعد اقتصادی در ایران
- تحریف تاریخ و تمدن ایران و ترسیم چهره‌های خونریز و وحشی از اقوام ایرانی
- ترسیم فضایی قدیمی و عقب‌مانده از ایران و ...
- اثبات حمایت از تروریست‌ها و اقدامات تروریستی

بررسی آثار موجود نشان می‌دهد که امروزه رسانه‌های غربی، وقایع و حوادث جهان را با نگاه خود رصد و به مخاطبان منعکس می‌کنند و مخاطبانشان عموماً واقعیتی تخریب‌شده را

درمی‌یابند و فهم ناقصی از یک رویداد واقعی کسب می‌کنند. در اغلب این متون هدف اصلی، مقابله با جمهوری اسلامی ایران و مهار و جلوگیری از گسترش و نفوذ معنوی ایران در منطقه است؛ تئوری پردازان غرب و جهت‌دهندگان به رسانه‌های ارتباط جمعی کاملاً به این نکته اساسی واقف‌اند که تغییر در واقعیت‌ها دشوار و گاهی عملاً ناممکن است، اما تغییر دنیای ذهنی انسان‌ها و افکار عمومی با رایج داده‌های غلط به آنها امکان‌پذیر است؛ بنابراین کاملاً مشخص است که هدف از القای سوژه‌های تکراری غیرواقعی، ایجاد یک تصویر منفی وارونه و ذخیره و بازیابی اطلاعات در مورد محرک‌ها و داده‌های مربوط به آن تصویر است و در مقابل داده‌های عینی، حتی اگر این داده‌های جدید مغایر با تصاویر ذخیره‌شده باشند، نوعی سوگیری در پردازش اطلاعات جدید به نفع تصاویر ذخیره‌شده قبلی دیده می‌شود.

با عنایت به این سوگیری‌ها و تحریف‌هاست که تصوراتی قالبی نسبت به ایران و مردم شکل می‌گیرد، درحالی‌که واقعیت چیز دیگری است. در پس این تحریفات، القای وارونه مفهوم صدور انقلاب در آرمان‌های ملت ایران و ترویج «اسلام‌هراسی» و «اسلام‌ستیزی» در رأس اهداف قرار دارد که اجمالاً به این نظریه‌های کاذب می‌پردازیم.

◆ اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی و مفهوم صدور انقلاب

در این زمینه نظریه‌های مختلفی مطرح شده است که سه نظریه در اینجا ارایه می‌شود: نظریه اول: انقلاب اسلامی به اعتبار مکتب خود که اسلام می‌باشد و دارای رسالت جهانی است به دنبال گسترش افکار و اندیشه‌هایش حتی به قیمت اعمال زور و به‌کار بردن اسلحه می‌باشد.

کسانی که این نظریه را القا می‌کنند عموماً یهودیان افراطی می‌باشند که از گذشته دور نیز با تبلیغات گسترده در غرب، اسلام را دین شمشیر معرفی کرده‌اند و معتقدند که اسلام با ضرب شمشیر گسترش پیدا کرده است بنابراین انقلاب اسلامی هم درصدد اعمال زور و تجاوز به

منظور برقراری حاکمیت اسلام و ارزش‌های اسلامی می‌باشد. این امر خود موجبات نگرانی دولت‌های حاکم بر کشورهای اسلامی را فراهم می‌کرد؛ به طوری که می‌توان گفت کمک کشورهای عربی به عراق در آغاز جنگ تحمیلی به‌طور عمده ناشی از این نظریه بود.

نظریه دوم: به‌رغم مطرح شدن ایدئولوژی اسلامی در انقلاب، زمامداران ایران همچنان به دنبال سلطه و برتری ایران و در رؤیای بازگشت به امپراتوری عهد باستان می‌باشند.

نظریه سوم: انقلاب اسلامی با پیروزی خود بر یکی از خشن‌ترین و قدرتمندترین دیکتاتورها، راه آزادی از قید استبداد و امپریالیسم را بر ملت‌های محروم و ستمدیده گشود و به آنها نشان داد که چگونه می‌توان بر ابرقدرت‌های شیطانی غلبه کرد؛ همچنین پیام انقلاب اسلامی را به گوش آنها رساند تا راه و مسیر آزادی را به آنها نشان بدهد؛ این هدف در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز آمده است.

انقلاب اسلامی در جهانی که تغییر و تحولات مستمر، مرزهای طبیعی جوامع را در نور دیده و سرنوشت همگان را به هم پیوند زده، با این گستردگی و عظمت نه تنها نهادها و نظام‌های یک ملت و اقوام آن را در هم ریخته و سرنوشت و تاریخ آنها را در مسیر تغییرات بنیادین قرار داده است، بلکه دامنه آن بسی فراتر از یک کشور رفته و ملت‌هایی را در سمت‌وسوی شکل‌دهی دنیای نو به حرکت درآورده و در همین راستا، برای بسیاری از دولت‌ها مسئله‌آفرین بوده است. گری سیک، مشاور وقت کاخ سفید در امور ایران، در کتاب *زمانی که هر چیز فرو می‌پاشد* در همین باره می‌نویسد از هنگام سقوط شهر سایگون هیچ واقعه‌ای به اندازه انقلاب ایران، آمریکا را تحت تأثیر قرار نداده است؛ به بیان دیگر، نه تنها یک ملت و یک تاریخ کهن در معرض دگرگونی قرار گرفت بلکه بسیاری از روندها، تئوری‌ها و موجودیت‌های مبتنی بر سیاست‌ها و سیاستگذاری شرق و غرب و ساختار تقسیم قدرت در نظام بین‌الملل آن زمان در سطوح مختلف به چالش فرا خوانده شد. به گفته یکی از مفسران، انقلاب اسلامی به‌طور کلی برای آمریکا و جامعه بین‌الملل حادثه‌ای پیش‌بینی نشده بود و متحدی وابسته در منطقه را به دشمنی ناآرام مبدل ساخت. انقلاب اسلامی نه تنها برای بسیاری از انقلابیون و اندیشمندان

متحیرکننده بود، بلکه جهانیان را نیز غافلگیر و متعجب کرد.

میشل فوکو نظریه‌پرداز فرانسوی در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام جهانی چنین می‌گوید:

این انقلاب، قیام انسان‌های دست خالی است که می‌خواهند باری که بر پشت همه ما و به ویژه بر پشت ایشان، بر پشت این کارگران نفت، این کشاورزهای مرزهای امپراتوری‌ها سنگینی می‌کند از میان بردارند؛ بار نظم جهانی را؛ شاید این نخستین قیام بزرگ بر ضد نظام‌های جهانی باشد؛ مدرن‌ترین و دیوانه‌ترین صورت شورش. در واقع در حساب سیاست، چنین جنبشی را در کجا باید نشانند؟ جنبشی که نمی‌گذارد انتخاب‌های سیاسی پراکنده‌اش کند. جنبشی که در آن نفس مذهبی دمیده شده است که بیش از آنکه از عالم بالا سخن بگوید به دگرگونی دنیا می‌اندیشد.^۱

لس اسپین، رئیس کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان امریکا، تأکید دارد: «باید هدف استراتژی امریکا متوقف کردن ایران در گسترش انقلاب اسلامی بنیادگرای خود به جهان عرب به ویژه خلیج‌فارس باشد حتی اگر در این راه استفاده از نیروهای نظامی لازم گردد.»^۲

ویلیام کوانت، عضو شورای امنیت امریکا در زمان کارتر، می‌گوید: «انقلاب ایران، واشنگتن را به وحشت انداخت... تصمیم گرفتیم یک ساختار امنیتی در داخل و اطراف شبه جزیره عربستان به‌وجود آوریم تا مطمئن شویم انقلاب ایران به خارج سرایت نخواهد کرد.»^۳

به تبع موج هیجان و شور و شعفی که تمام مسلمانان جهان را در اثر پیروزی انقلاب فرا گرفته بود، اثرات این موج در منطقه خلیج‌فارس و به ویژه در میان شیعیان، بسیار قوی و قدرتمند بود به نحوی که آنها با امیدواری بسیار زیادی به فعالیت‌های خود جدیت بخشیدند. اما تنها شیعیان نبودند که شدیداً از انقلاب اسلامی تأثیر گرفتند بلکه در میان جوانان

۱. میشل فوکو، *ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند*، ترجمه حسین معصومی همدانی، هرمس، ۱۳۷۷، ص ۴۳.

۲. منوچهر محمدی، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۹۶.

۳. همان، ص ۱۰۲.

سنی‌مذهب (سلفی و غیرسلفی) نیز حرکت‌هایی برای برپایی شریعت اسلامی متکی بر جهاد مردمی و مشارکت عمومی به‌وجود آمد. در نظر جوانان مسلمان، انقلاب اسلامی سمبل عزت و کرامت اسلامی در مقابل غرب و ابرقدرت‌ها بود و احساسات خدشه‌دار شده آنان را التیام می‌بخشید.^۱

زیاد ابو عمر در کتاب خود *جنبش‌های اسلامی در فلسطین* می‌نویسد: هیچ چیز به اندازه انقلاب امام‌خیمینی نتوانست ملت فلسطین را به هیجان آورد و احساسات آنها را برانگیزد و امید را در دل‌هایشان زنده کند. با پیروزی انقلاب اسلامی ما به خود آمدم و دریافتم که امریکا و اسرائیل نیز قابل شکست هستند. ما فهمیدیم که با الهام از دین اسلام می‌توانیم معجزه کنیم و از این رو ملت مجاهدان در فلسطین، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را به دیده تقدیر می‌نگرند و امام‌خیمینی را از رهبران جاوید تاریخ اسلام می‌دانند.^۲

◆ نفوذ انقلاب اسلامی در قلوب ملتها

جهان در قرن بیستم، تحولات گسترده و وقایع متنوع، متضاد، تأثیرگذار و در عین حال خیره‌کننده‌ای را شاهد بود. سرعت و ابعاد گسترده این دگرگونی‌ها در قرن بیستم به تنهایی با آنچه در قرون پیشین بر جهان گذشته برابری می‌کند. جنگ‌های جهانی، انقلاب‌ها، تعارضات و درگیری‌های میان جوامع بخش قابل توجهی از تحولات قرن گذشته را به خود اختصاص داد. برخی از این رخدادها با تمامی اهمیت‌شان، دامنه اثر محدودی از خود بر جای نهاد و برخی پویایی جریان‌های درونی خود را حفظ نمود و گستره کلانی از ساختارها و فرآیندهای نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داد. وقوع انقلاب اسلامی در کنار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از جمله حوادثی است که تأثیر فوق‌العاده و شگفت‌آوری در ورای مرزها و نظام بین‌الملل بر

جای گذارده است؛ تحولات و وقایع فوق، عناصر درونی نظام بین‌الملل را به شکل عمیقی تحت تأثیر قرار داده‌اند.

از منظر میشل فوکو انقلاب سال ۹-۱۹۷۸، متضمن امتناع کل یک فرهنگ و یک ملت از رفتن زیر بار یک نوع نوسازی است که در نفس خود کهنه‌گرایی است. چنین انقلابی به مثابه انقلابی بدون تشکیلات، غیرحزبی و در نوع خود بی‌نظیر است.^۱

در تحلیل خصایص و ویژگی‌های انقلاب می‌بایست به عناصری همچون جایگاه ایران در نظام بین‌الملل، وضعیت و سطح توسعه جوامع، مفاهیم و ادبیات مرتبط با آن توجه نمود.

انقلاب اسلامی در برهه‌ای از زمان به وقوع پیوست که به اعتقاد فوکو برای سرنگونی یک رژیم بیش از اینکه احساسات تند لازم باشد اسلحه، ستاد فرماندهی تدارکات و... لازم است. آنچه در ایران اتفاق می‌افتد باعث سردرگمی ناظران امروزی است. نه نشانی از چین در آن می‌بینند، نه از کوبا و نه از ویتنام؛ بلکه زلزله‌ای است بدون دستگاه و نظام، بدون پیشرو و بدون حزب؛ در فرآیند این انقلاب، انسان تهی از هر طبقه و صنف، در سلسله‌ای سازواره با مشتکی واحد (بدون توسل به مبارزه مسلحانه) در مقابل رژیم کاملاً مسلح صف‌آرایی کرد.

به تعبیر دیگری از فوکو این پدیده، «انقلابی با دست‌های تهی» بود که ویژگی‌های متضادی را در دل خود جای داده بود؛ نخست تناقض منازعه مردمی پابرنه با دست‌های خالی با یکی از مجهزترین رژیم‌های عالم است. دوم فقدان هرگونه تضاد و تعارض در شبکه‌های مختلف اجتماع در تدبیر تحرک انقلابی است؛ چرا که در خلال توسعه و بسط منازعات، هیچ‌گونه مخالفتی بین نهادهای واپسگرا و پیشرو و عناصر درونی جامعه بروز نکرد. در این میان اسلام در کنش مردم در صحنه و در شکل‌دهی آگاهی ملی و جمعی و تبدیل آن به یک منبع تحریک، تهییج، تغییر و دگرگونی نقشی مهم ایفا نموده است.

از جمله ویژگی‌های تأثیرگذار و حیرت‌آور انقلاب اسلامی برای غرب و حتی جهان اسلام،

احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان بود. مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی، القای تفکر اسلام سیاسی بود. اسلامی که به‌زعم بسیاری در صفحات کهن تاریخ، فرتوت شده و از اذهان رخت بر بسته بود اینک با هسته‌ای قدرتمند و امواجی فراتر از مرزهای ملی بازگشته و به جریان افتاده بود. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که ادیان به‌ویژه دین اسلام با گذشت زمان و توسعه مدرنیزاسیون نه تنها به پایان راه نرسیده‌اند بلکه مجدداً به عنوان مهم‌ترین راه نجات بشریت از ظلم و بیدادگری احیا شده و دنیای مادی‌گرای معنویت‌گریز را متوقف ساخته و دریچه‌ای از معنویات و اعتقادات مذهبی، در راستای رسنگاری و رهایی بشریت از قید قدرت‌های استعمارگر گشوده‌اند.^۱

به اعتراف دوستان و دشمنان، مخالفان و موافقان انقلاب، بیشترین تأثیر این انقلاب در جهان اسلام و عرب مشهود است. در بخشی از این منطقه، انقلاب اسلامی ایران منبع الهام و تحرک و برای برخی دیگر انقلاب و امواج حاصل از آن منبع تهدیدی جدی برای ثبات بوده است. هراس دولت‌های خاورمیانه و عرب، ناشی از احساس جنبه‌های تهدیدی انقلاب اسلامی بوده است.

تمام کسانی که از مادی‌گرایی افراطی در رویکرد به غرب، نفرت و انزجار پیدا کرده بودند، با پیروزی انقلاب اسلامی شادمان گشتند، تشویق شدند و روحیه و هویت جدیدی یافتند؛ در حقیقت انقلاب اسلامی برای آنها الهام‌بخش بود و موجب ایجاد حرکت‌های نوین و قابل ملاحظه‌ای در جهان اسلام شد. پیروزی انقلاب اسلامی، آموزه‌های جدیدی در بعد نظری و عملی در اختیار آنها قرار داد تا از مواضع انفعال خارج شوند و خود را در حالت تهاجمی و دارای نقش بازیگری ببینند. فعالان اسلامی نیز در سراسر جهان توانستند خودشان را با بسیاری از اصول ارزشی انقلاب اسلامی همخوان و هم‌آواز ببینند.

در میان این اصول، چند مورد را می‌توان نام برد:

- طرح مجدد اسلام به عنوان مجموعه کاملی از شیوه زندگی؛

- اعتقاد بر این اصل که مدل غربی جدایی دین از سیاست موجب ایجاد مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی جوامع اسلامی بوده است؛

- این عقیده که قدرت و موفقیت مسلمانان در بازگشت به اسلام که بر اساس وعده و تضمینی الهی می‌باشد، تنها جایگزین مناسب سرمایه‌داری غربی و سوسیالیسم و مارکسیسم شرقی است؛

- طرح مجدد شریعت به عنوان قوانین الهی برای ایجاد جامعه مطلوب و برقراری جامعه‌ای بر پایه عدالت اجتماعی و اخلاقیات؛

- طرح مجدد جهاد مقدس علیه همه بت‌ها و آمادگی برای شهادت در راه خدا به عنوان تنها راه مبارزه و پیروزی.^۱

آبراهامیان بر این اعتقاد است که یکی از نکات قابل توجه در خصوص انقلاب اسلامی ایران، توانایی بالای گفتمان اسلام‌گرایی در خلق یک ذهنیت جدید بود؛ یعنی پرورش یک مسلمان به عنوان یک عنصر سیاسی ضددیکتاتوری و ضدامپریالیستی. اصولاً مسلمان بودن به معنای ضدیت با پهلوی، امریکا، صهیونیسم و در نهایت حمایت از امام(س) و جمهوری اسلامی بود. بدون شک، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تبعات ناشی از آن تا انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطانی توسط سلمان رشدی اوج تقابل اسلام و غرب بود.^۲

هراس غرب از اسلام، ناشی از ریشه‌های صرفاً سیاسی آن نیست، بلکه ریشه‌های اسلامی سیاست، غرب را به وحشت افکنده است. مذهب و سیاست همیشه بوده‌اند، اما برداشت مذهبی از سیاست برای غرب مشکل‌آفرین گردید.

ما باید سعی کنیم انقلابمان را صادر کنیم. تمام ابرقدرت‌ها و قدرت‌های دیگر درصدد

۱. همان، ص ۲۹-۲۸.

۲. رک: یرواند آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*.

نابودی ما هستند، اگر ما در یک محیط بسته بمانیم عاقبت با شکست مواجه خواهیم شد.

نویسنده کتاب بازتاب جهانی انقلاب اسلامی پژوهش خود را به انگاره‌هایی استواری داند که در پیوستگی درونی با یکدیگر قرار داشته و در این خصوص محور‌هایی را بدین شرح برشماری می‌کند:

۱. با وجود تمام سوءبرداشت‌ها، برآوردها و برخوردهای غرب به عنوان مرکزیت نظام بین‌الملل، انقلاب اسلامی با به چالش کشیدن این گفتمان، بسیاری از عناصر مرکز محوریت غرب را تحت تأثیر قرار داده است.

بازیگران نظام بین‌الملل (قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت‌ها)، محیط بازی و قواعد نظام بین‌الملل تحت تأثیر این انقلاب قرار گرفته و به آن واکنش نشان داده‌اند. غرب‌ستیزی و گفتمان رقیبی که اسلام سیاسی ارایه داده، بنیادهای نظام و ستفالیایی را هدف قرار داده و در پی ستیز با نظم کهن به دنبال ایجاد نظم جدید برای اسلام و بر اساس اصول اسلامی می‌باشد.

۲. انقلاب اسلامی با احیای تفکر اسلامی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی برجسته ساخته و عنصر هویت اسلامی را به عنوان واقعیتی پذیرفته‌شده در برابر هویت غربی جهان شمولی که اندیشه غرب ارایه می‌دهد قرار داده است.

۳. هر چند انقلاب اسلامی ایران با احیای اسلام و تفکر اسلام سیاسی، خود را در مقابل غرب و فشارهای شدید نظام بین‌الملل قرار داد، اما همین امر غرب را در شناخت بهتر و جامع‌تر اسلام ترغیب کرد و مطالعات اسلامی و اسلام‌شناسی به سرعت جای شرق‌شناسی را گرفت.

۴. گفتمانی که انقلاب اسلامی ایجاد نموده است، قادر به تبیین یک نظریه کلان سیاسی می‌باشد.^۱

بخش عمده‌ای از ادبیات مطالعات انقلاب اسلامی به بررسی ابعاد نظری و علل پیدایش و

ظهور انقلاب معطوف شده است. نوشته‌های پژوهشگرانی همچون اولیور روا، جیمز دو فرونزو، باری روزن، اسکاچپل، اسپوزیتو، همایون کاتوزیان، فرهاد کاظمی، سعید امیر ارجمند، حامد الگار و در این مجموعه قرار می‌گیرند. بخش عمده‌ای از نوشته‌ها نیز به سیاست‌های ایران و تحولات داخلی ایران پس از انقلاب پرداخته و روابط جمهوری اسلامی ایران را با قدرت‌های بزرگ مورد بررسی قرار داده‌اند. غالب پژوهش‌ها به رفتار خارجی ایران و اعمال سیاست خارجی آن پرداخته‌اند. بخش فوق با بیشترین تنگ‌نظری و نقد مواجه شده است. برای مثال نوشته‌های خلیل‌زاد و فرهاد هالیدی به وضوح تحلیل‌های یک‌جانبه‌ای از انقلاب ارایه نموده‌اند.^۱

برنارد هورکاد از دیگر ایران‌شناسان مشهور فرانسوی نیز در یکی از آثار خود، انقلاب اسلامی ایران را به لحاظ تأثیرات بیرونی آن چنین ارزیابی می‌کند: سرنگونی شاه ایران در ۱۹۷۹ عکس‌العمل‌هایی توأم با شگفتی و عدم درک و حتی شیفتگی را در سراسر جهان برانگیخت. برخی در انقلاب ایران طغیان اسلامی را می‌دیدند که صلح جهانی را به خطر می‌انداخت.^۲

انقلاب اسلامی ایران به تعبیر ماکسیم رودینسون «فسونگری اسلامی» را زنده کرده و حیاتی دوباره بخشید. سه تن از ایران‌شناسان فرانسوی در بخشی از کتاب *ایران در قرن بیستم*، انقلاب اسلامی را این گونه ارزیابی می‌کنند: «حداقل چیزی که در مورد انقلاب اسلامی ایران می‌توان گفت این است که این انقلاب جایگاه عظیمی را در تاریخ پایان قرن بیستم به خود اختصاص داده است».^۳

مولانا بشیرالرحمن از رهبران مسلمان اهل سنت پاکستان، علاقه مردم پاکستان به انقلاب اسلامی ایران را چنین توصیف می‌کند: «هر روز که از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران می‌گذرد،

۱. همان، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۴۳.

۳. همان.

مردم ما علاقه بیشتری به آن پیدا کرده و بیشتر شیفته این انقلاب می‌شوند.»

مولانا بشیرالرحمن اهمیت این انقلاب و علت علاقه به آن را «احیای اسلام و پیاده کردن احکام اسلام» ذکر می‌کند. به اعتقاد او انقلاب اسلامی ایران و رهبر آن حضرت امام خمینی (ره)، راهی را به مسلمین جهان نشان دادند تا آن را ببینند و به هدف خود که نجات یافتن از زیر یوغ ابرقدرت‌ها است برسند.^۱

ریچارد کاتم بحث قابل تأملی دارد مبنی بر اینکه می‌توان امام خمینی را به عنوان یک مؤمن واقعی که هیچ برنامه عملیاتی‌ای ندارد و به داشتن یک ایدئولوژی می‌بالد، مورد ملاحظه قرار داد؛ با وجود این، او نشان می‌دهد که رهبر ایران برای پیدا کردن متحد تا چه حد عملگرایی سیاسی پیش می‌گیرد؛ نمونه آن حمایت ایران از حکومت غیر دینی حافظ اسد در سوریه است؛ به رغم آنکه رژیم اسد به سال ۱۹۸۲ اعتراض‌کنندگان بنیادگرای مسلمان در [شهر] نحاء را با بی‌رحمی سرکوب کرد ... چرا ایرانی‌ها با تأکید بر تعبیر خاص خود از رستگاری اسلامی، دشمنان بسیاری در میان دولت‌های اطراف خود به وجود آورده‌اند. شاید سودمند باشد که متغیرهای ایدئولوژیک را، نه به عنوان تعیین‌کننده رفتار واقعی بلکه به مثابه زمینه‌ساز ایمان تلقی کنیم که بر پایه آن از یک رشته کارها، پرهیز می‌شود. از این دیدگاه، روشن‌تر می‌شود که چرا رهبران ایران پیشنهاد برقراری رابطه خوب با اتحاد شوروی را تا هنگامی که نیروهای آن کشور در افغانستان بودند رد کرد و همچنین چرا مسئله افغان‌ها موجب نشد تهران ائتلافی بر ضد شوروی بر پا کند.^۲

جیمان تقوی اگرچه شرحی واقعی ارائه می‌دهد، ولی خاطرنشان می‌کند که عوامل ایدئولوژیک در جریان جنگ ایران و عراق و در مسئله با اهمیت‌تری مانند مشروعیت رژیم، اهمیت داشته است.

۱. همان، ص ۴۸.

۲. باری روزن (گردآورنده)، *انقلاب ایران: ایدئولوژی و نمادپردازی*، ترجمه سیاوش مریدی، «ایدئولوژی و انقلاب

ایران»، شاهرخ اخوی، تهران، بان، ۱۳۷۹، ص ۱۶-۱۵.

ریچارد کاتم یک گام به جلو بر می‌دارد و استدلال می‌کند: رژیم‌های ایران در گذشته روابطضعیفی با دو قدرت بزرگ خارجی که برای نفوذ در سیاست و سیاستگذاران ایرانی با یکدیگر رقابت می‌کردند، داشتند؛ رژیم مذهبی درباره این الگوی تاریخی جوارو جنجال راه انداخته و رویکرد و اخلاقی ستیزه‌جویانه را نسبت به هر دو در پیش گرفته است.

ویلیام بی‌کواندت نشان می‌دهد که نخبگان عربستان سعودی از تهدید ایران مبنی‌بر صدور انقلاب، هم خشمگین هستند و هم می‌ترسند. مضحک‌تر آنکه، سعودی‌ها از لحاظ تاریخی، خود را رهبران بزرگ اسلامی در منطقه می‌انگارند، ولی واکنش آنان در برابر رویدادهای آن طرف خلیج [فارس] گویای آن است که نقش قدرتمندی که رهبران ایران پیدا کرده‌اند، بینش اخلاقی آنها را درباره جهان تحت‌الشعاع خود قرار داده است.^۱

از نظر نیکی کدی انقلاب ایران احتمالاً تنها نمونه نوین از یک جنبش مذهبی احیاگری است که موفق شده قدرت را به دست گیرد. این انقلاب به‌رغم مشابهت‌هایی که با جنبش‌های احیاگری پیشین دارد، در برخی زمینه‌ها بی‌همتا است. به دلایل زیر، روحانیت شیعی ایران (و نه همتایان سنی آنان) قدرت تاکتیکی انطباق را دارند:

۱. اصول مهدویت دکترین امامت؛

۲. استقلال مالی روحانیت؛

۳. وجود حق روحانیان بلندمرتبه برای قضاوت مستقل از حکومت؛

۴. اجبار مؤمنان برای پیروی از یک مجتهد در شعائر و احکام [شرعی].

اکثر موارد فوق تحت تأثیر عقاید قرار دارند و این نیز مثال دیگری از اهمیت عقاید، ارزش‌ها، استنباطات و نمادهای فعالیت‌های اجتماعی شیعه می‌باشد.

حاصل سخن آنکه نویسندگان این مقالات به روابط خارجی ایران پرداخته‌اند و به‌طور ضمنی نشان داده‌اند که ایدئولوژی یک عامل مهم در پویای سیاسی ایران بعد از ۱۹۷۹ بوده

۱. همان، «دیدگاه‌های عربستان سعودی درباره انقلاب ایران»، ویلیام بی‌کواندت، ص ۹۳-۷۹.

است و نتیجه‌گیری کرده‌اند که ایدئولوژی در بحران قرار دارد.^۱

نیکی آرکدی در مقاله خود تحت عنوان «احیای مجدد اسلام در گذشته و حال با تأکید بر ایران» در خصوص احیای اسلام اینگونه می‌نویسد:

عامل ثابت دیگر انقلاب اسلامی که آن را به جنبش‌های احیای اسلامی پیوند می‌زند، جاذبه ضدامپریالیستی انقلاب است. علاوه بر این انقلابیون استدلال می‌کنند که احساسات ضداسرائیلی در ایران بیش از آن حدی است که اکثر خارجی‌ها درک می‌کنند. من شاهد نخستین مراسم سالانه «روز قدس» در چهارمین جمعه ماه رمضان بودم. جمعیت داخل و اطراف دانشگاه تهران حدود دو میلیون نفر برآورد می‌شد. پلاکاردهای [امام] خمینی و عرفات علی‌الظاهر از زمانی که عرفات به عنوان خیانتکار معرفی شده، تغییر کرده است؛ ولی به نظر نمی‌رسد که احساسات ضدخشونت‌آمیز برای پس‌گیری بیت‌المقدس و ساحل غربی رود اردن فروکش کرده باشد.^۲

به نظر می‌رسد که احساسات ضدامپریالیستی که اکنون متوجه ایالات متحده امریکا و اسرائیل است، در هر یک از کشورها و در درون جنبش‌های احیای اسلامی و انقلاب اسلامی، از آغاز احیای نوین اسلامی تاکنون، به عنوان یک خصلت باقی مانده است. اگر رهبران اسلامی حاکم بیش از [رهبران] غیرمذهبی به مشکلات مردم خود بپردازند، می‌توان انتظار داشت که دست‌کم در جایی که احیاگران مزه قدرت را چشیده‌اند [جنبش] احیایگری رو به افول گذارد ولی تا زمانی که اقتصادها و فرهنگ‌های بومی متحول شوند و به تدارک نیازهای اساسی اکثریت مردم و نیز کاهش هژمونی نیروهای خارجی بپردازند پدیده احیایگری ممکن است همچنان در غلیان باشد.^۳

۱. همان، ص ۲۷-۱۶.

۲. باری روزن (گردآورنده)، همان، «احیای مجدد اسلام در گذشته و حال با تأکید بر ایران»، نیکی آرکدی، ص ۵۳-۵۲.

۳. همان، ص ۵۳-۵۲.

بر عکس مذهب سنی، شیعه در فرآیند شکل‌گیری خود امکان پرورش مفهوم رهبری آرمانی را به‌وجود آورده است. آرمان انتزاعی امام غایب (یعنی این پندار که دوازدهمین جانشین حضرت محمد(ص) نمرده بلکه غایب است) توانسته یک دلیل اصولی برای اعتراض اجتماعی-سیاسی بر ضد نظم حاکم به‌دست دهد.^۱

◆ بازتاب جهانی انقلاب اسلامی در القائات نویسندگان غربی

دوست و دشمن معتقدند که انقلاب ایران تأثیر بسزایی بر جهان اسلام و غرب داشته است. این انقلاب برای برخی منبع الهام و انگیزش بوده است و برای گروهی دیگر، نماد تهدیدی جدی علیه نظم استعماری موجود.

ایران معاصر، نخستین دهه حیات خود را با دو هدف توأم نهادینه کردن انقلاب و صدور آن آغاز کرد. برای جمهوری نوپای اسلامی، قانونی اساسی فراهم آمد که یک حکومت پارلمانی انتخابی را تحت هدایت شرع اسلام پیش‌بینی کرده بود. انقلاب علاوه بر جنبه نظری، به صورت واقعی نیز تغییرات عمیقی در چشم‌اندازهای اجتماعی ایران پدید آورده است.^۲

◆ خاورمیانه

جان. ال. اسپوزیتو و جیمز پی. پیسکاتوری می‌گویند: خاورمیانه آشکارترین نمونه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم ایران بر سیاست‌های مسلمانان را به‌دست می‌دهد. همان‌طور که دیوید ای. لانگ در کتاب *بازتاب انقلاب ایران بر شبه جزیره عربستان و کشورهای خلیج [فارس]* خاطر نشان می‌کند، بسیاری در منطقه و در پایتخت‌های عربی، «همه» پادشاهی‌های محافظه‌کار خلیج [فارس] را ایران‌های کوچکی می‌پنداشتند که در معرض انقلاب است و سرنوشت آنها

۱. باری روزن (گردآورنده)، همان، «اسلام شیعه به عنوان ایدئولوژی کارکردی در ایران»، منگول بیات، ص ۶۳.

۲. جان. ال. اسپوزیتو، همان، ص ۲۲۶-۳۲۵.

فروپاشی است و کسی نمی‌توانست اخبار خوب درباره خلیج [فارس] بدهد.^۱

در بحث تأثیر انقلاب اسلامی ایران در خاورمیانه همان‌طور که جان ال. اسپوزیتو در کتاب *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن* و دیوید ای. لانگ در کتاب *بازتاب انقلاب ایران بر شبه جزیره عربستان و کشورهای خلیج [فارس]* می‌گویند این تأثیرها در عربستان، بحرین، کویت، عراق، لبنان، مصر، تونس، لیبی و... متفاوت بوده است. عراق به دلیل داشتن اکثریت شیعه که تحت حاکمیت دولتی سنی اداره می‌شود بیشترین ترس را از انقلاب اسلامی ایران احساس می‌کند؛ در این خصوص فلیپ رابینز در کتاب خود *عراق تهدید نظامی و پاسخ‌های رژیم می‌گوید* تا زمان آتش‌بس ۱۹۸۹ بسیاری، از بازتاب اندک انقلاب ایران بر سیاست و جامعه عراق متعجب بودند. رابینز علت این موضوع را عدم درک مناسب ایران از جامعه شیعه عراق و همچنین از سرراه برداشتن رهبران ستیزه‌جوی شیعه عراقی توسط صدام می‌داند؛ به همین جهت کشوری که به دلیل هم‌مرز بودن و داشتن جمعیت بالای شیعه و وجود دو شهر مقدس نجف و کربلا باید بیشترین و زودترین تأثیر را بپذیرد اما در آن چنین اتفاقی نمی‌افتد.^۲

◆ دیدگاه‌های عربستان سعودی درباره انقلاب ایران

هنگامی که انقلاب ایران در سال ۱۹۷۸ رو به بالندگی گذاشت، چند کشور بیش از پادشاهی عربستان سعودی نگران شدند. از نظر رژیم سعودی، ایران همسایه‌ای مهم و مسئله‌ساز بود. از نظر عربستان سعودی، سقوط شاه در زمان بسیار بدی رخ داد. فقط هفته پیش از آن، انور سادات رئیس‌جمهور مصر، به عنوان یکی دیگر از رهبران طرفدار غرب که با عربستان در مخالفت با شوروی و دوستانش شریک بود، در کمپ‌دیوید پیمانی را با اسرائیل امضا کرده بود که در جهان عرب به طور کامل تقبیح شد. سعودی‌ها به‌رغم فشار و اشنگتن برای حمایت

۱. همان، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۲۰-۱۹.

از توافق کمپ‌دوید، نظر خود را با نظر اکثریت اعراب در جلسه سران [عرب] در بغداد انطباق داده بودند. روابط دیپلماتیک عربستان با مصر به حال تعلیق درآمد و پیوندهای تنگاتنگ پیشین بین دو کشور تقریباً از بین رفت. به این ترتیب در فوریه ۱۹۷۹ سعودی‌ها دیگر نمی‌توانستند روی مصر یا ایران در زمینه دفع بسیاری از تهدیداتی که ثبات منطقه را به مخاطره انداخته بود حساب کنند.^۱

ویلیام بی کواندت در مقاله‌ای تحت عنوان «دیدگاه‌های عربستان سعودی درباره انقلاب ایران» که در کتاب *انقلاب ایران: ایدئولوژی و نادرپذیری آمده*، در خصوص رویکرد عربستان به انقلاب اسلامی ایران چنین می‌نویسد:

عربستان سعودی به عنوان رژیم محافظه‌کاری که وضع موجود را ترویج می‌داد، قیام در ایران را به مثابه تهدیدی جدی برای توازن قدرت موجود می‌انگاشت. جنبه مثبت انقلاب ایران برای سعودی‌ها این بود که بحران در درون ایران می‌توانست به طور موقت، توان ایران را برای ایجاد بحران در جاهای دیگر خاورمیانه کاهش دهد و این امر مطلوب و خوشایند سعودی‌ها بود.

جدی‌ترین چالشی که ایرانیان انقلابی با پادشاهی عربستان سعودی داشتند در خصوص عدم سازگاری اسلام و پادشاهی است؛ امام هنگامی که دست به طرح این دیدگاه زد آن را بی‌امان مطرح می‌کرد. ویلیام بی‌کواندت می‌گوید تبلیغات ایران پس از به قدرت رسیدن [آیت‌الله] خمینی در فوریه ۱۹۷۹، این موضوع را بار دیگر مطرح کرد و از اعراب سراسر خلیج فارس خواست تا بر ضد رهبران فاسد خود قیام کنند. پس از چندی سعودی‌ها اعلام کردند که ایران برای بی‌ثبات کردن همسایگان عرب خود می‌کوشد.^۲

بیشترین نفوذ مستقیم، نیرومند و پایدار انقلاب اسلامی ایران در لبنان بوده است که از اوج

۱. باری روزن (گردآورنده)، همان، «دیدگاه‌های عربستان سعودی درباره انقلاب ایران»، ویلیام بی‌کواندت، ص ۸۰ -

۷۹.

۲. همان، ص ۸۳.

اقدامات امام موسی صدر، حمله اسرائیل به لبنان و کشتارهای صبرا و شتیلا به تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی کمک کرده است. در این خصوص ریچارد تورتون در کتاب خود با عنوان *لبنان؛ جدال داخلی و ارتباط با ایران* به چگونگی کمک‌های ایران به ایجاد زیرساخت‌های گسترش انقلاب اسلامی ایران در لبنان می‌پردازد و به الهام‌بخشی، هدایت مبارزات و تأثیرپذیری فرهنگی مردم لبنان از انقلاب ایران اذعان می‌نماید و حضور و ظهور عکس‌های امام خمینی در خانه‌ها و مطبوعات حزب‌الله را نشان از نفوذ انقلاب اسلامی ایران در لبنان بیان می‌کند.^۱

تأثیرپذیری مصر از انقلاب اسلامی ایران متفاوت با دیگر کشورها بوده که بیشتر منجر به تقویت گروه‌های اسلامی مخالف رژیم مصر شده است. مصر در زمره کشورهایی است که در آن الهام‌پذیری از انقلاب به تقویت مخالفان اسلامی موجود انجامیده است، بی‌آنکه حکومت ایران مداخله مهمی کرده باشد.^۲

البته بیشترین تأثیر را اخوان‌المسلمین و سازمان‌های دانشجویی اسلامی پذیرفته‌اند. در این خصوص شاهرخ اخوی در کتاب خود با عنوان *بازتاب انقلاب اسلامی بر مصر* می‌گوید: در نخستین فوران شور و شوق سال‌های اولیه انقلاب، اخوان‌المسلمین، گروه‌های رادیکال، سازمان‌های دانشجویی و چپ اسلامی همه به این نتیجه رسیدند که مصر نیز می‌تواند سامان سیاسی خود را از اساس تغییر دهد یا تنها اگر پیشگامان منسجمی برای اشاعه پیام و بسیج توده‌ها وجود داشته‌باشد، آنان از روح و راه انقلاب الهام می‌گرفتند اما خواهان بازتولید مدل ایران نبودند. این نگرش در واکنش اولیه اخوان‌المسلمین متجلی است.^۳

اما در کشورهای دوردست، یعنی در تونس و لیبی نیز تفاوت زیاد بیشتری دیده نمی‌شد، تونس به ریاست جمهوری حبیب بورقبیه معمولاً غیرمذهبی‌ترین حکومت جهان عرب تلقی می‌شد. برعکس، معمر قذافی در لیبی در دهه ۱۹۷۰، اصلاحات و قوانین اسلامی را معمول کرد.

۱. جان. ال. اسپوزیتو، همان، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۲۲.

۳. همان، ص ۲۲.

به همین نحو، یعنی در تونس حیب بورقبیه به مخالفت با ایران برخاست و حال آنکه در لیبی، قذافی در طول جنگ ایران و عراق از ایران حمایت کرد... با این حال هر دو رهبر، الگوی این انقلاب را تهدیدی برای رهبری سیاسی خود تلقی می‌کردند و گروه‌های مخالف هر دو کشور لیبی و تونس، در الگوی ایران ضرورت کلی پاسخگو شدن و مسئولیت‌پذیری اسلامی رهبران سیاسی را می‌دیدند. در حالی‌که انقلاب اسلامی ایران نتوانست به مداخله مستقیم یا تشکیل گروه‌های فعال جدیدی با پشتیبانی ایران بینجامد، به گرایش‌های مخالفت‌آمیزی که از پیش در هر کشوری بود، شتاب بخشید. البته فعالان مسلمان تونس از تجربه ایران تشویق شدند و جسارت بیان خواسته‌های خود را یافتند.^۱

◆ آسیای شرقی و مرکزی

تهاجم شوروی و اشغال افغانستان در سال ۱۹۷۹، در زمره معدود مواردی در جهان اسلام بوده است که غرب و جهان اسلام هر دو به یکسان با آن مخالفت ورزیدند. الیویه روا در کتاب خود با عنوان *مجاهدین و آینده افغانستان* بر این نظر است که به‌رغم مجاورت افغانستان با ایران، بازتاب کلی انقلاب بر مجاهدین که اکثر آنان سنی هستند، جزئی بوده و تأثیر ایران در میان شیعیان که تقریباً ۱۵ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند، بسیار محسوس‌تر بوده است.

تأثیر ایران بر افغانستان محدود بوده است. رژیم ایران موضع شدیدی در برابر تهاجم شوروی اتخاذ کرد و از مجاهدین افغان خواست که انقلابی اسلامی به پا دارند. ایران همچنین از طریق ایرانی کردن روحانیان شیعه، بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ که آنان نزد آیت‌الله‌های ایران درس می‌خواندند، و با ترغیب احزاب سیاسی طرفدار ایران به تشکیل اتحاد هشت‌گانه که در سال ۱۹۸۶ در ایران برای حفظ موازنه با اتحاد هفت‌گانه (سنی) در

پاکستان تشکیل شد، نفوذ خود را اعمال کرد. با این حال، برخی محافل در ایران، مجاهدین را به دلیل پذیرش کمک ایالات متحده، بیش از حد طرفدار غرب می‌دانستند. الیویه روا بر این نظر است که موضع ضدامریکایی ایران در حقیقت قوی‌تر از همبستگی این کشور با مسلمانان است و به این ترتیب ایران پیوسته از هرگونه مداخله مستقیم به نفع مجاهدین می‌پرهیزد.^۱

◆ آسیای جنوب شرقی

بازتاب انقلاب ایران بر جوامع مسلمان جنوب‌شرقی آسیا عمدتاً غیرمستقیم بوده است. در مالزی و اندونزی، انقلاب، هم‌ایدئولوژی و عقاید سیاسی اسلامی را برانگیخته و هم‌توانایی حکومت محلی را در توجیه نظارت و سرکوب جنبش‌های مخالفان اسلام‌گرا تقویت کرده است. در فیلیپین، ایران با حمایت معنوی و پشتیبانی از مبارزه جبهه آزادی‌بخش ملی مورو گرایش‌های سیاسی از پیش موجود را قوت دوباره‌ای بخشیده است.

فعالان مسلمان در آسیای جنوب شرقی همچون همگان خود به انقلاب ۱۳۵۷ متوسل شدند و تهران را واداشتند توجهات و احترامات آنها را به آیت‌الله خمینی پاسخ دهد. با این حال، در مدت زمان کوتاهی، فعالان در مالزی و اندونزی سریعاً از امام‌خمینی فاصله گرفتند زیرا نسبت به جهت‌گیری و زیاده‌روی‌های حکومت روحانی ایران نگرانی داشتند و حکومت‌های مالزی و اندونزی نیز برای بی‌اعتبار ساختن هرگونه مخالفت اسلامی به طرح اتهاماتی چون «خمینیسیم» یا «اسلام رادیکال» می‌پرداختند. همان‌طور که فردفون در مهند در کتاب خود با عنوان «جنبش‌های اسلامی مالزی و اندونزی و ارتباط با ایران» نشان می‌دهد در حالی که برخی «ایران دیگری» را در کشورهایی چون اندونزی پیش‌بینی می‌کردند، لیکن در حقیقت مستندات، مخالفت کمتری را نشان داده است. انقلاب ایران همچون دیگر موقعیت‌های اسلامی، اثر مهمی بر عناصر آگاه مذهبی داشت... این انقلاب، یک سلسله نیروهای دیگر را تقویت کرد که از

احیای اسلام در این منطقه قوت گرفتند. در همان حال که زیاده‌روی‌های نسبت داده شده به رژیم جدید در تهران و جنگ طولانی ایران و عراق جاذبه انگیزشی اولیه بسیاری از فعالان را نسبت به تجربه ایران تضعیف کرد، خود انقلاب هنوز از سوی طیف وسیعی از مسلمانان آسیای جنوب شرقی به عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های قرن بیستم حمایت می‌شود. اسلام در هیچ جای دیگری چنین پیروزی قاطعی بر نیروهای اقتصادی، سیاسی و اخلاقی غرب نداشته است.^۱

◆ آفریقا

چرخش جعفر نمیری به سوی اسلام آشکارا حاصل عوامل داخلی بود؛ اما از واقعیت‌های وسیع‌تر رستاخیز اسلام در سیاست مسلمانان در میان همسایگان سودان (مصر و لیبی) و جهان گسترده‌تر اسلام نیز تأثیر پذیرفت. انقلاب ایران تحولات و تمایلات موجود را تقویت کرد اما نقش تعیین‌کننده در نوپیدایی اسلام در سیاست سودان نداشت. اگرچه رهبران مسلمانی چون ترابی و صادق‌المهدی (رهبر مهدیون و نخست‌وزیر سودان در سال‌های ۶۷-۱۹۶۶ و ۱۹۸۹-۱۹۸۶) اندکی پس از انقلاب با امام‌خمينی(ره) در ایران دیدار کردند اما هدف آنها بیشتر ابراز همبستگی با اهداف و آرمان‌های انقلاب بود تا اعلام تعهد به امام‌خمينی(ره) یا کسب حمایت ایران.

همچنان که جان ا. وُل در کتاب *اسلامی کردن امور در سودان و انقلاب ایران* نشان می‌دهد، سودان از سنت اسلامی سرشاری برخوردار است. این نقش تاریخی اسلام در تشکیل و توسعه سودان نوین، حضور سازمان‌های اسلامی نظیر مهدیه، ختمیه و اخوان‌المسلمین و سنت حکومت اسلامی، علاوه بر اعتراض و مخالفت اسلامی، همه به پیش از انقلاب ایران برمی‌گردد؛ در نتیجه نه حکومت نمیری و نه مخالفان، لازم یا مفید ندیدند که زیاد به حمایت

ایران یا بی‌اعتبار کردن مخالفان از طریق حمله به نفوذ «خمینیسیم» اتکا کنند. اول نتیجه می‌گیرد که تجربه اسلامی کردن در سودان پیوندی با ایران نداشت، بر عکس آن دسته از فرضیات که در آنها بر نظریاتی چون احیاءگری بین‌المللی یا تبانی از سوی ایران، بیش از اندازه تأکید می‌شود.^۱

احیاءگری اسلامی در نیجریه همچون دیگر کشورهای مسلمان عمدتاً درون‌زا است. با این حال، ابراهیم ای. گامباری معتقد است که رهبری آیت‌الله خمینی (ره) و فکر انقلاب اسلامی در جامعه اسلامی نیجریه و به ویژه در میان مسلمانان محروم شمال، احساسات و واکنش‌هایی را برانگیخت... و در جهت پوشش بخشیدن به مبارزه علیه فساد فزاینده و مادی‌گرایی بیش از حد تشکیلات سیاسی نیجریه، ماهرانه به کار گرفته شد.

پیروزی انقلاب ایران بسیاری از رهبران مسلمان نیجریه را ترغیب کرد و آنها از این نمونه الهام گرفتند. بسیاری از مضامین این انقلاب همچون تقبیح فساد اداری، رد مادی‌گرایی فزونی‌خواهانه، انتقاد از غربزدگی و اجرای قوانین اسلامی مورد استقبال آنان قرار گرفت. به هر حال، همان طور که گامباری به ما می‌گوید اکثر مسلمانان نیجریه با آن‌که به نوعی خواستار معمول شدن قوانین اسلامی هستند، همچنان به جای ایجاد جمهوری اسلامی به دولتی کثرت‌گرا پایبندند. بازتاب انقلاب ایران در مکان‌ها و زمان‌های مختلف متفاوت بوده است. در این میان، این نکته از اهمیت پایداری برخوردار است که نفوذ ایران دامنه وسیعی را از الهام‌بخشی تا مداخله دربر می‌گیرد.^۲

◆ نمونه‌هایی از حوزه نفوذ انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی با رهبری امام‌خمینی به ملل تحت ستم جهان نشان داد که می‌توان با توکل به

خدا، استقامت و پایداری مردم و عدم وابستگی به مکاتب مادی شرق و غرب و با تکیه بر مکتب رهایی‌بخش اسلام بر قوی‌ترین رژیم‌های وابسته به استکبار نیز پیروز شد. این پیروزی شوق و اشتیاق عجیبی در بین ملل تحت ستم، نهضت‌های آزادی‌بخش و تمام آزادی‌خواهان جهان به وجود آورد و در بیداری، امید و اعتماد به نفس مسلمانان - بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی ملت‌ها- نقش بسزایی ایفا کرد. از اندونزی تا جوامع اسلامی در غرب، پیروزی انقلاب اسلامی در حکم پیروزی اسلام بود و توانایی اسلام را برای رهبری مردم سرکوب‌شده جهت مقابله با رژیم‌های فاسد و تحت سلطه خارجی آشکار نمود. انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطف احیای تفکر اسلامی و تحقق عینی آن به‌شمار رفت که پس از قرن‌ها به مسلمانان امید و تحرک بخشید و ضمن ایجاد تحول عمیق فکری و فرهنگی، اسلام را دوباره زنده کرد و فکر ایجاد حکومت اسلامی را به عنوان نیاز مبرم زندگی انسان‌ها تجلی بخشید. از همین رو مسلمانان آفریقا و مبارزان این قاره مشتاقانه درصدد شناخت انقلابی که از ارزش و تقدس فراوانی برخوردار بود برآمدند و موج اسلام‌گرایی و رشد بیداری اسلامی به عنوان شاخص اصلی و مهم منطقه شمال آفریقا درآمد. همچنین تاریخ تمدن دیرینه و کهن آن و پایبندی مردم منطقه به اسلام که نقش تاریخی و مهم خود را در جریان رشد جنبش‌های اسلامی ایفا کرده بودند، این منطقه را به صورت کانون تلاش برای بازیافتن هویت اسلامی مردم و بازگشت به اسلام پویا و فعال درآورد. در همین راستا بررسی نهضت‌های اسلامی در تونس روشنگر احیای تفکر و بیداری در این کشور است.^۱

انقلاب اسلامی در ایران مهم‌ترین عامل الهام‌بخش جنبش اسلامی مردم الجزایر بود. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تأسیس جمهوری اسلامی ایران با پیام‌ها و رسالت ویژه خود، محرومان و مستضعفان سایر کشورها را به از بین بردن فاصله‌های طبقاتی و ایجاد جامعه‌ای عادلانه نوید داد. جوانان طرفدار گرایش اسلامی با تأثیر گرفتن از الگوی انقلاب ایران، روش

قهرآمیزی در برابر رژیم‌های حاکم در پیش گرفتند که مهم‌ترین مورد آن را می‌توان رویارویی گروه‌های دانشجویی مسلمان و حرکت علما و روشنفکران مذهبی در الجزایر دانست.

تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی ایران بر حرکت اسلامی الجزایر در مواضع جبهه نجات اسلامی این کشور به خوبی مشاهده می‌شود. این جبهه سرانجام هدف حرکتش را برقراری یک «حکومت اسلامی» اعلام کرد. بدین ترتیب که مبارزان اسلامی به چیزی کمتر از برقراری جمهوری اسلامی در الجزایر رضایت ندادند و این نشان‌دهنده آن است که تجربه انقلابی جمهوری اسلامی ایران الگوی موفق بوده است.^۱

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تحول تازه‌ای در سیاست خارجی ایران ایجاد کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محتوای اسلامی انقلاب ایران را حرکتی برای پیروزی نهایی مستضعفان بر مستکبران می‌داند که در این راستا گسترش روابط با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی، راه را برای تشکیل امت واحد جهانی هموار می‌سازد. مطابق قانون اساسی، هدف نهایی حرکت به سوی «الله» است. با چنین بینشی آشکار است که سایر اهداف نظام در کلیه زمینه‌ها در راستای تحقق این هدف نهایی خواهد بود؛ بدیهی است سیاست خارجی نیز از این امر مستثنی نیست. پر واضح است که با توجه به اسلامی بودن انقلاب و جهان‌شمولی این مکتب، سیاست خارجی کشور نمی‌توانست خود را در محدوده اهداف ملی و یا حتی منطقه‌ای محبوس نماید. با توجه به این رسالت مهم و غیر قابل تغییر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی از نظر فکری و ایدئولوژیک باید سیاستی پیشرو، فعال و پویا باشد. از این رو بود که با طرح شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» نفی مکاتب غیر الهی را اعلام و به عنوان پیش‌قراولان و احیاگران مکتبی جهانی که سعادت همه ابنای بشر را در بر می‌گیرد، حکومت اسلامی را مطرح می‌کند، لیکن به منظور تحقق هدف فوق در درازمدت، برداشتن قدم‌های اساسی دیگر ضروری بود؛ از جمله نزدیکی هر چه بیشتر و وحدت ملت‌های مسلمان، حمایت

از مردم مستضعف دنیا در هر نقطه‌ای با هر نژاد، زبان و مذهب در مقابل مستکبران جهان و دعوت غیرمسلمین به اسلام در قالب امور تبلیغاتی و صدور انقلاب. به این ترتیب سیاستگذاران ایران با الهام از تعالیم اسلامی، برقراری روابط با کشورهای جهان سوم به‌ویژه ممالک آفریقایی را در تقدم قرار دادند.^۱

نلسون ماندلا می‌گوید انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام‌خمينی(ره)، امیدهای فراوانی را برای قیام مردم آفریقای جنوبی در مبارزه علیه بی‌عدالتی به همراه داشته است و بدون تردید تاریخ هرگز نقش ایران اسلامی را فراموش نخواهد کرد.^۲

امام سلیمان از علما و رهبران برجسته مسلمانان آفریقای جنوبی و عضو کنگره ملی آفریقا نیز درخصوص تأثیر انقلاب اسلامی در این کشور خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی می‌گوید: پس از انقلاب اسلامی، بسیاری از مسلمانان آفریقا دریافتند که باید برای کسب آزادی به شدت بر تلاش‌های خود بیفزایند... من بهترین سلام‌های مسلمانان آفریقای جنوبی را به حضرتعالی ابلاغ می‌کنم زیرا مردم ما از برادران و خواهران مسلمان خود در ایران الگو گرفته‌اند که باید برای ایجاد عدالت و احقاق حقوق مسلم خود به‌پا خیزند و تا پای جان در راه آرمان خود فداکاری کنند.^۳

سام نجومه که پس از پیروزی، اولین رئیس‌جمهور نامیبیا شد به الگوبرداری از انقلاب ایران اشاره دارد و می‌گوید: شیوه‌های مبارزاتی انقلاب اسلامی، الگو و امیدبخش مبارزات مردم تحت ستم آفریقا است و ما را برای مبارزه و مقاومت در برابر دشمن ترغیب می‌کند.^۴

رابرت موگابه رئیس‌جمهور زیمبابوه و مبارز قدیمی و ضداستعمار قاره آفریقا، پیروزی انقلاب اسلامی را الهام‌بخش نهضت مردمی زیمبابوه می‌داند: پیروزی انقلاب اسلامی در ایران،

۱. همان، ص ۳۲۰.

۲. همان، ص ۳۲۴.

۳. همان، ص ۳۲۵.

۴. همان، ص ۳۲۵.

یک پیروزی بزرگ برای نیروهای انقلاب در اقصی نقاط جهان محسوب می‌شود زیرا این انقلاب برای تمامی مردم تحت ستم دنیا الهام‌بخش بوده است.^۱

همچنین داود جاوارا رئیس‌جمهور وقت گامیبا نیز جنبش‌های آزادی‌بخش در آفریقا را الهام‌گرفته از انقلاب اسلامی می‌داند: «جنبش‌های آزادی‌بخش در آفریقا از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته‌اند و این بدان خاطر بود که انقلاب شما، انقلابی واقعی بر ضد دشمنان قوی (اعم از داخل و خارج) مانند امریکا بود».^۲

انقلاب اسلامی ایران بدون تردید یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌ها و حوادث جهان در قرن بیستم محسوب می‌گردد و به تعبیر امام «معجزه قرن» است که انعکاس زیادی در ورای مرزهای ایران داشت و در بیداری، امید و اعتماد به نفس مسلمانان بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی ملت‌ها، نقش بسزایی ایفا کرد. پیروزی این انقلاب در حکم پیروزی اسلام بود و توانایی اسلام را برای رهبری مردم سرکوب‌شده جهت مقابله با رژیم‌های فاسد و تحت سلطه خارجی آشکار نمود و به عنوان نقطه عطف احیای تفکر اسلامی و تحقق عینی آن به‌شمار می‌رود که به مسلمانان امید و تحرک بخشید و ضمن ایجاد تحول عمیق فکری و فرهنگی، اسلام را دوباره زنده کرد.^۳

◆ فلسطین و مردم فلسطین

مردم مسلمان فلسطین از مدت‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی درگیر مبارزه با غاصبان صهیونیست بودند و جهت‌دهی و سازماندهی این مبارزات با گروه‌ها و تشکل‌های مختلف فلسطینی بود. پس از گذشت مدتی از این فعالیت‌ها این‌گونه اندیشه‌ها و استراتژی‌ها به بن‌بست

۱. همان، ص ۳۲۵.

۲. همان.

۳. همان.

رسید و خلاء بزرگی در اندیشه مبارزه با صهیونیسم و رهاسازی بیت المقدس به وجود آمد که اوج این خلاء با واقعه تاریخی کمپدیوید و صلح سادات با اسرائیل در مارس ۱۹۷۹ پدیدار شد. در چنین وضعیتی برای مبارزان فلسطینی دو راه در پیش بود؛ یا باید همه چیز را تمام شده می دیدند و به صلح با رژیم غاصب تن می دادند یا اینکه با توجه به شکست و ناکامی گذشته طرحی نو در مبارزه ترسیم می کردند. در این وضع دشوار، تجربه انقلاب اسلامی با برانداختن بزرگترین حامی منطقه ای اسرائیل ظهور یافت و با توجه به ابعاد منطقه ای و جهانی آن بسیار سریع جای خود را در فلسطین پیدا کرد. حدوث انقلاب و برانداختن یکی از ستون های حمایت کننده اسرائیل، یعنی محمدرضا شاه، فلسطینی ها را متوجه مبانی فکری و اعتقادی انقلاب نمود.

انقلاب اسلامی ایران نمونه ای اسلامی عرضه کرد که می شد به آن اقتدا کرد.^۱ این بدیل و جایگزین با کتابی که فتاحی شقاقی تحت عنوان *الخمینی الحل الاسلامی و البدیل نوشت*، تحقق یافت. این اثر را شقاقی در دوران دانشجویی اش در مصر بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تألیف کرد و بنا به گفته خودش اولین کتابی است که در جهان در خصوص انقلاب اسلامی ایران تألیف شده است.^۲

امام خمینی (س) در مورد تأثیر انقلاب اسلامی بر مردم فلسطین و حرکت انقلابی آنها می فرماید:

با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است عطر خون های پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصی نقاط عالم مشاهده می کنیم. حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست، آیا دنیا تصور می کند که این حماسه را چه کسانی سروده اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیست ها مقاومت می کنند؟

۱. زیاد ابوعمر، جنبش های اسلامی در فلسطین، ص ۸۴.

۲. فتاحی شقاقی، *انتفاضه و طرح اسلامی معاصر*، ص ۱۲۷.

آیا تنها آوای وطن‌گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست‌بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ اگر چنین بود اینها که سال‌هاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده‌اند! شکی نیست که این آوای الله‌اکبر است؛ این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت‌المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند. و این تحقق همان شعار براثت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج ... سرداد.^۱

تأثیر انقلاب اسلامی به رهبری امام‌خمینی(س) در فلسطین قوی‌تر از هر مکان دیگری بود؛ زیرا مسلمانان فلسطین در حالی که تحت اشغال و حشیانه صهیونیستی به‌سر می‌بردند، ناامیدتر و فروپاشیده‌تر از تمامی ملل مسلمان بودند. در چنین شرایطی، سرزمین‌های اشغالی شاهد حرکت بزرگ و عظیم بیداری اسلامی به عنوان بخشی از نهضت اسلامی گسترش‌یافته در منطقه بودند که با قیامت و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز شد و بدین‌سان، اسلام ثابت کرد که قادر به حرکت مردم و انقلاب و به‌دست آوردن پیروزی و تأسیس جمهوری اسلامی است. از همین رو، همان‌گونه که امام‌خمینی(س) به زندگی ایرانیان معنا و مفهوم بخشید، به میلیون‌ها انسان مسلمان و مستضعف نیز امید بخشید و مسلمانان فلسطین نیز احساس کردند که می‌توان اسرائیل را از میان برد.

یکی از پدیده‌هایی که تأثیر انقلاب اسلامی را بهتر از هر چیزی در فلسطین نشان می‌دهد، قیام مردم فلسطین در قالب جنبش «انتفاضه» است. این جنبش در میان سخت‌ترین شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای و محلی، همچنان در طی مسیر خود تا رسیدن به احقاق حقوق مردم فلسطین، اصرار دارد.

همچنین انقلاب اسلامی موجب گسترش مفاهیم و اصول مذهب شیعه از جمله اصول جهاد، شهادت و فداکاری در راه هدف که از نمادهای شیعیان و شعارهای انقلاب ایران بود، در بین

طرفداران جنبش‌های اسلامی اهل سنت در فلسطین گردید.^۱

حضرت امام در سخنرانی خودشان در جمع نمایندگان شیعیان جنوب لبنان بر ضرورت این بیداری تأکید می‌کنند و می‌فرمایند:

اصلاً باید مسلمین باید بیدار بشوند! امروز روزی نیست که مسلمان‌ها هرکدام یک گوشه‌ای زندگی ... خاص به خود داشته باشند. نمی‌شود این معنا در یک همچو زمانی که سیاست‌های ابرقدرت‌ها بلعیدن همه‌جاست؛ مسلمین باید بیدار بشوند ... ملت‌ها باید بیدار بشوند و همه تحت لوای اسلام و تحت سیطره قرآن باشند.^۲

جیمز بیل محقق امریکایی در خصوص فلسطین و وضعیت نابسامان مبارزاتی چنین می‌نویسد: جنبش فلسطین که تا حد زیادی غیرمذهبی است و به لحاظ سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از هم پاشیده و عمیقاً دچار چنددستگی شده است، آشکارا نشانه‌هایی از علایق اسلامی را در خود دارد. در ساحل غربی رود اردن ... نسل جوان فلسطینی‌های بی‌وطن در کنار مجامع و انجمن‌های ملی، سازمان‌های مختلف اسلامی را نیز تشکیل می‌دهند... الیاس فریح، شهردار بیت‌الحم و رشاد شاوله، شهردار سابق غزه چنین اعلام کرده‌اند که به نحو فزاینده‌ای جوانان فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی به سوی اسلام آمده و با خواست اصلاح، آن را به مثابه راه نجات از فقر و بدبختی خود می‌دانند.

مهم‌ترین اثر انقلاب اسلامی ایران بر مردم فلسطین در بعد داخلی ایجاد بیداری و آگاهی اسلامی در مردم این سرزمین است که این بیداری و آگاهی اثرات بسیاری در متن زندگی مردم فلسطین داشته است. از جمله:

- احیای مفاهیم سیاسی و اجتماعی اسلام (عدم جدایی دین از سیاست)؛
- تأثیر در گسترش کمی و کیفی حرکت‌ها و تشکیلات آزادی‌بخش اسلامی؛
- ایجاد حساسیت اسلامی و حمایت از مقدسات مذهبی؛

۱. حمزه امرایی، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، ص ۲۳۰.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۱۹ - ۳۱۸.

- ایجاد روحیه شهادت‌طلبی؛

- مساجد کانون مبارزه و فعالیت سیاسی؛

- سازماندهی و بسیج توده‌ها.

◆ افغانستان

در افغانستان به دلیل اشتراکات فرهنگی و زبانی، تأثیربخشی انقلاب اسلامی حتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و در مقاومت مردم در برابر کودتای کمونیستی طرفدار شوروی (سابق) نمود یافت. اگرچه قسمت اعظم مردم افغانستان را اهل تسنن تشکیل می‌دهند، اما سرنگونی شاه را از طریق بسیج سراسری مسلمانان مورد تحسین قرار دادند. افغان‌ها به دلیل آنکه خود سرگرم مبارزه با یک رژیم سرکوبگر و دست‌نشانده بودند، انقلاب ایران را مایه الهام خویش قرار دادند و برخی از تاکتیک‌های موفقیت‌آمیز ایرانیان مخالف شاه را در پیش گرفتند. در یک مورد، شهروندان کابل بر فراز بام‌های منازل خود، فریاد «الله‌اکبر» سردادند.^۱

در عین حال، شیعیان افغان با شور و حرارت بیشتری نسبت به دیگران، به انقلاب اسلامی ایران پاسخ گفتند. از مدت‌ها پیش، بسیاری از شیعیان افغانستان مرجعیت شرعی و مذهبی ایران از جمله امام‌خمینی (س) را پذیرا شده بودند. پس از انقلاب، پشتیبانی از امام‌خمینی (س) به شدت افزایش یافت و همچنان که حمایت از گروه‌های سیاسی اسلام افزایش یافت، ناسیونالیسم هزاره و گروه‌های مائوئیست که واکنش‌هایی در مقابل روند مدرنیزه شدن کشور بودند تضعیف گردیدند.^۲

ملت مسلمان افغانستان مسائل انقلاب ایران را از طریق رسانه‌ها دنبال می‌کردند و در بسیاری از موارد از آن الهام گرفتند. به گفته آقای هادی، رهبری انقلاب اسلامی در ایران نیز

میان شهروندان مسلمان افغانستان از محبوبیت خاصی برخوردار بود.

آقای هادی می‌گوید: پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نه تنها افغانستان بلکه مسلمانان جهان را بیدار ساخت. مولوی مختار مفلح، رهبر حزب نهضت آزادی اسلامی و مدیر مسئول مجله فکر بر این باور است که امام‌خمینی یک رهبر بزرگ اسلامی در جهان معاصر است و بسیاری از جنبش‌های اسلامی از افکار و اندیشه‌های ایشان الهام گرفته‌اند. وی در مورد شخصیت امام‌خمینی(ره) می‌گوید: او دیدگاهش از مرزهای قومی، مذهبی و جغرافیایی فراتر می‌رفت و تنها به جهان اسلام می‌اندیشید.

دکتر مهدی، استاد سابق دانشگاه و عضو شورای متحد ملی، به ابعاد بزرگ و جهانی انقلاب ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: انقلاب اسلامی ایران علاوه بر دستاوردهای کلان برای ملت این کشور، در برجسته ساختن نقش ایران در میان کشورهای اسلامی نیز اثرات شایانی داشت؛ طوری که اکنون بسیاری از اندیشمندان کشورهای اسلامی از افکار و اندیشه‌های دانشمندان و فرهنگیان ایرانی تأثیر می‌پذیرند.

◆ لبنان

وقوع انقلاب اسلامی زمینه‌ساز نهضت شیعی در کشور لبنان و الهام‌بخش رهایی مردم شیعه مناطق جنوب این کشور شد. گروه امل آشکارا از اندیشه‌های پان‌اسلامیسم حمایت می‌کرد و از اندیشه‌های انقلابی ایران متأثر بودند.^۱

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک الگوی مهم، به شیعیان لبنان نشان داد که یک نهضت اسلامی خالص و کاملاً سازمان‌یافته و دارای انگیزه می‌تواند دستاورد عظیمی در مقابله با ستمگری و بی‌عدالتی داشته باشد.^۲

۱. جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، ص ۱۱۶.

۲. آگستوس ریچارد نورتون، تشیع، مقاومت و انقلاب، «منشأ و تجدید حیات امل»، ص ۲۹۱.

اما ملموس‌ترین پدیده متأثر از انقلاب اسلامی، سازمان «حزب‌الله» لبنان است. این سازمان به عنوان یک جنبش مخالف سیاسی و اجتماعی، به دنبال شکست لبنان از اسرائیل و تحت تأثیر آرمان‌های انقلاب اسلامی در میان شیعیان پدید آمد. سید عباس موسوی، رهبر سابق «حزب‌الله» می‌گوید: پیروزی انقلاب اسلامی ایران اعتماد به نفس را به مسلمانان بازگرداند و آنها را از میزان قدرت و توانایی‌ای که در اسلام و اندیشه‌های اسلامی نهضت است، آگاه ساخت. مقاومت اسلامی در لبنان ملهم از انقلاب اسلامی شکل گرفت.

سید حسن نصرالله، دبیرکل «حزب‌الله» نیز حرکت «مقاومت» را به عنوان پاسخگویی و استجابت به یک تکلیف الهی می‌داند که امام‌خمینی(س) معین کرد که واجب است با رژیم اشغالگر قدس مبارزه کنیم و سرزمینمان را از اشغال آزاد نماییم. وی می‌گوید:

گروه‌های مختلف معتقدی که با عناوین مختلفی فعالیت می‌کردند، بر اساس دو محور هماهنگ شدند و به یکدیگر پیوستند؛ محور نخست ایمان به ولایت فقیه و التزام به رهبری حکیمانه امام‌خمینی و محور دوم ضرورت قیام و مبارزه با دشمن اسرائیلی؛ بر اساس این دو محور، تمام گروه‌های اسلامی به یکدیگر پیوستند و حرکت واحدی را سازمان دادند که امروز به «حزب‌الله» معروف است.^۱

◆ پاکستان

حادثه انقلاب اسلامی به دلیل ویژگی‌های خاص خودش، مناسبات جهانی، منطقه‌ای و روابط فیما بین کشورها مردم منطقه را تحت تأثیر قرار داد؛ از جمله کشورهایی که به دلیل وجود زمینه‌های مناسب تحت تأثیر قرار گرفت کشور پاکستان بود.

پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت مردمی آن به واسطه انتخابات مکرری که پس از پیروزی انقلاب صورت گرفت، به مردم پاکستان برای حضور در صحنه سیاسی کشورشان انگیزه‌ای

جدی داد. مردم پاکستان، ایران و تحولات مردمی آن را برای خود الگو قرار دادند و خواستار آن شدند که کشورشان نیز همانند کشور همسایه بر مبنای اصول اسلامی اداره شود و آنها را در امور دخالت دهد و اراده‌شان را جاری سازد.

بی‌قانونی‌ها، تعلیق انتخابات، نبودن دولت مردمی، گرایش‌های مستبدانه‌ای که در حکومت ضیاءالحق مشاهده می‌شد و اظهارات او مبنی بر اینکه ما با وجود قرآن به قانون نیازی نداریم یا اینکه حکومت اسلامی به معنای حکومت مورد قبول اکثریت نیست و از این قبیل، با توجه و ملاحظه کشور ایران، سخت مورد انتقاد و ایراد واقع شد.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، حرکت‌هایی در سطح مردمی آن کشور و در اعتراض به اعمال و سیاست دولت پاکستان شکل می‌گیرد و در تیر ماه ۱۳۵۹ شاهد تظاهرات نیم‌میلیونی شیعیان در اسلام‌آباد هستیم. این تظاهرات در اعتراض به تصمیماتی که می‌خواست بر شیعیان تحمیل گردد و درخواست رعایت حقوق آنها، برگزار شد. در همین دوران راهپیمایی‌های مردمی در کراچی، اسلام‌آباد و ... در اعتراض به سیاست امریکا در منطقه و کشور پاکستان انجام می‌شود. لذا ظهور انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در حیات سیاسی ملت پاکستان محسوب می‌شود. تأثیرگذاری انقلاب در سطح کلان تا اندازه‌ای قابل پیش‌بینی بود اما مسئله مهم‌تر، متأثر شدن شیعیان بیش از پیروان سایر مذاهب این کشور از نهضت اسلامی در ایران بود.

در پاکستان، پیروزی انقلاب ایران موجب ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی نسل جوان شیعه و پیدایش «نهضت اجرای فقه جعفری» گردید که از افق مشابهی با انقلاب اسلامی برخوردار است. اما پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، علمای شیعه پاکستان حضور چندانی در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی نداشتند و بیشتر به اجرای مراسم سنتی، ضیافت و اعیاد معصومان(ع) و به‌ویژه عزاداری سیدالشهدا(ع) اکتفا می‌کردند و در این امور هم نقش سازنده‌ای نداشتند؛ زیرا در خلال این‌گونه فعالیت‌ها، به اختلافات بین شیعه و سنی بیشتر توجه می‌شد. اما پس از وقوع انقلاب اسلامی، علمای شیعه در حرکت‌های مذهبی و اجتماعی خود،

مردم را به مشارکت در مسائل سیاسی دعوت می‌کردند.^۱

تأثیر انقلاب در این کشور به شیعیان ختم نمی‌شود، بلکه پیروان اهل سنت هم حمایت خود را از آن اعلام کردند. همچنین بیشتر جمعیت اهل تسنن پاکستان نیز انقلاب اسلامی ایران را به دیده احترام می‌نگرند. موضع «جماعت اسلامی» در برابر انقلاب اسلامی در فتوای ابوالاعلی مودودی تجلی یافت که گفت: انقلاب امام‌خمینی یک انقلاب اسلامی است و دست‌اندرکار آن، جماعت اسلامی و جوانانی هستند که در دامن حرکت‌های اسلامی تربیت شده‌اند و بر تمامی مسلمانان و حرکت‌های اسلامی واجب است که آن را تأیید و با آن همکاری کنند.^۲

◆ تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در آفریقا

در بررسی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر تحولات بلاد مختلف می‌توان به نظریات اندیشمندان در کشورهای آفریقایی اشاره کرد. یکی از علاقه‌مندان امام‌خمینی (ره) و انقلاب اسلامی به نام مصطفی کامل امین، مدیر مدرسه وطنی منطقه‌ای مجلس علما و ائمه در غنا می‌گوید: «فتوای امام‌خمینی درباره سلمان رشدی در آستانه دهه دوم انقلاب ملاکی برای سنجش پتانسیل جهان اسلام و تمرکز و تجلی آن محسوب می‌شود. وجود انقلاب اسلامی و همچنین فتوای امام‌خمینی علیه سلمان رشدی باعث شد که ملت آفریقا توجه خاصی به انقلاب و امام کند.»^۳

شیوه‌های خاص انقلاب و محتوای دینی آن، مقوله‌هایی هستند که به عنوان علت‌های اثرگذاری انقلاب در آفریقا از آن یاد می‌شود. بر این اساس، پس از جنگ دوم و رواج جنبش‌های استقلال‌طلب در آفریقا، اینک مردم این قاره نیازمند فهم و تعریفی برای هویت‌یابی هستند و این زمینه و نیاز می‌تواند عامل اصلی اثرپذیری آفریقا از انقلاب اسلامی ایران باشد

۱. حمزه امرایی، همان، ص ۲۵۲.

۲. همان.

۳. منوچهر محمدی، همان، ص ۳۳۰.

زیرا دین اسلام مایه‌هایی قوی برای هویت‌بخشی دارد. می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی ایران در اواخر قرن بیستم نشانه مهمی از آغاز تجدید حیات اسلام بود که زنجیروار در پی خود در سایر بلاد اسلامی موجب بیداری اسلام و جنبش‌های اصلاحی و انقلابی گردیده است.

◆ تونس

در رأس امواج اولیه جنبش اسلامی تونس، نام شیخ راشد الغنوشی قرار دارد. او بازداشت و محاکمه شد و حبسش مدت‌ها جزء اخبار مهم جنبش جهانی اسلام قرار داشت. تحلیل و جمع‌بندی گوشه‌هایی از افکار و گفتار غنوشی حاوی نکاتی است که پاسخ‌گوی ابعادی از چگونگی پیروزی و تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در سطوح مختلف و همچنین زنده کردن اسلام توسط امام‌خمینی(ره) می‌باشد؛ او چنین می‌گوید:

«نقش امام‌خمینی(ره) در ایجاد حکومت اسلامی ایران به راستی فوق‌العاده عظیم بود. او توانست با زبان توده‌ها با ایرانیان سخن گوید و در نتیجه به بهترین وجه ممکن آنان را علیه دشمن داخلی و خارجی بسیج نماید. مردم شیعه در طی تاریخ، پیوسته از علمای خود پیروی و اطاعت کرده‌اند، امام‌خمینی(ره) و خط مشی او توانسته است پس از قرن‌ها، شیعه را به جایگاه خود در تاریخ اسلام باز گرداند. او توانست این کار را با زنده کردن فلسفه غیبت امام در قالب «ولایت فقیه» به انجام برساند... پدیده امام‌خمینی(ره) نمایانگر تحولی مهم در سطح بین‌المللی و منطقه بود. به حق پدیده‌ای به این گستردگی را نمی‌توان با سخنان کوتاه بیان کرد.^۱

همچنین راشد الغنوشی در سال ۱۳۷۰ در خصوص امام‌خمینی(ره) چنین می‌گوید: «امام‌خمینی پرچم آزادی فلسطین را برافراشت و مسئله فلسطین تمام فکر امام را به خود مشغول کرده بود. مسئله فلسطین محور ستیز جهانی امروز است. صهیونیسم یک اختاپوس است. ما باید آگاه باشیم و باید از خود شروع کنیم. ما باید نظامی پیشرفته‌تر از غرب - که

اسرائیل هم غربی است- داشته باشیم تا بتوانیم فلسطین را آزاد کنیم.^۱

از دیگر نمودهایی که تأثیر انقلاب اسلامی را بر مردم تونس نشان می‌دهد اظهارات وزیر کشور تونس می‌باشد که اعلام کرده بود مسلمانان آن کشور در حرکت خود هنوز از روش انقلاب اسلامی ایران الهام می‌گیرند.

◆ سودان

امروزه اجماع نظر آن است که سودان از مهم‌ترین کشورهای اسلامی است که به طور جدی از انقلاب اسلامی ایران متأثر شده است. صادق المهدی در زمینه تأثیر انقلاب اسلامی در سودان می‌گوید: انقلاب ایران بر مردم سودان تأثیر عمیقی داشته است؛ آنان بسیاری از پدیده‌های تاریخی خود را در انقلاب ایران یافته‌اند. زیرا آنان صد سال پیش دست به انقلاب زدند و دولت‌های انگلستان، بلژیک و ایتالیا را شکست دادند. همچنین مردم سودان علیه حکام غیرقانونی عثمانی دست به انقلاب زدند و توانستند شریعت اسلام را در این کشور پیاده کنند. در سودان عده‌ای بودند که اسلام را به عنوان یک راه حل برای مشکلات نمی‌پذیرفتند... ولی انقلاب ایران این افکار را به کلی دگرگون کرد و ثابت کرد که اسلام زنده و متحرک است و می‌تواند در مقابل امواج ایدئولوژیک ایستادگی کند.^۲

سقوط جعفر نمیری، رئیس‌جمهور نظامی سودان که به وسیله کودتا، اعتراضات و شورش‌های مردمی به‌وقوع پیوست، تا حدودی از انقلاب اسلامی متأثر بوده است؛ همچنین دولت فعلی سودان با رهبرانی چون عمر البشیر و دکتر حسن الترابی و با علقه‌های انقلابی و اسلامی، رابطه‌ای نزدیک با دولت جمهوری اسلامی ایران دارد.

سودان در نیمه‌های دوم دهه انقلاب به سر پلی برای نشر و بسط انقلاب اسلامی در آفریقا

۱. راشد الغنوشی، سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، میزگرد فلسطین، ۱۳۷۰.

۲. سیدباقر سیدجوادی، *شناسنامه مطبوعات جهان سودان*، بنیاد اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۴۷-۲۲.

مبدل شده است و همین موقعیت، فرصت‌ها و تهدیدهایی جدی برای کشور سودان فراهم کرده است.

◆ الجزایر

بازتاب‌های انقلاب اسلامی در متن جامعه الجزایر، با زمینه‌ها و استعدادهایی که در آنجا موجود بود نقش مؤثری در توسعه و تحکیم جنبش اسلامی الجزایر داشته است؛ در واقع بذرهایی که به طرق مختلف در دهه اول انقلاب در مزرعه مساعد تاریخی و اجتماعی الجزایر پاشیده شد در دهه دوم به صورت جبهه نجات اسلامی و جنبش‌های الجزایر بروز و ظهور کرده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، استقبال و خوشحالی مردم الجزایر به خصوص طبقه جوان به حدی بود که هر روز در برابر سفارت ایران برای دریافت نشریات و خبرهای واصله از ایران صف می‌کشیدند، اما حکومت الجزایر نتوانست این اوضاع را تحمل کند لذا طی تماس با سفارت ایران محدودیت‌هایی ایجاد کرد.

علاقه جوانان مذهبی به حدی رسیده بود که به جای هلال بر بالای گنبد و مناره مسجد دانشگاه عنابه، آرم جمهوری اسلامی را نصب کردند؛ هر چند مأموران امنیتی پس از درگیری با دانشجویان آرم را بر می‌دارند، اما انعکاس حقیقتی زیبا در حرکت‌هایی این‌چنینی قابل پنهان کردن نیست.

◆ مصر

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اخوان‌المسلمین با خوشحالی از آن استقبال کردند و آرزوهای بزرگ خود را برای استقرار جمهوری اسلامی در ایران ابراز داشتند. جریان‌های دیگری که با جنبش اسلامی ایران در کنش متقابل بودند، ناصریسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی وابسته به آن بود. از دید خبرنگاران و تحلیل‌گران سیاسی، برخی از

شاخص‌های تأثیر انقلاب اسلامی ایران در مصر و احیا و تشدید جنبش اسلامی آن کشور به این شکل نمود پیدا می‌کرد که مردم شعارهایی از جمله «لا اله الا الله محمد رسول الله»، آیات قرآن و تصاویر آیت‌الله خمینی را روی شیشه اتومبیل‌هایشان می‌چسبانند.

سرکوب جنبش اخوان‌المسلمین با اعدام سران اخوان، مرگ ناصر در سال ۱۹۷۰، روی کار آمدن انور سادات و تشدید همگرایی او با ایران و غرب، سفر وی به اسرائیل و امضای پیمان کمپدیوید در سال ۱۹۷۸ درست هم‌زمان با اوج انقلاب اسلامی در ایران، حکومت مصر و شخص سادات را به منفورترین موجودات در ذهن مسلمانان و مبارزان مبدل کرد. با موضعی که امام در مورد آزادی قدس و مبارزه با اسرائیل اتخاذ کردند، رویارویی انقلاب اسلامی با دولت مصر بسیار حاد و جدی شد. طبعاً آن دسته از مردم مصر که از روند سازش مصر با اسرائیل ناخرسند بودند، به سمت ایران متمایل شدند، که ترور انور سادات توسط گروه‌های عقیدتی و مبارز برخاسته از ارتش مصر توسط خالد اسلامبولی، نمود واقعی این تمایل است. امواج اولیه احیای اسلام‌گرایی مصر و ترور سادات و حوادث پس از آن، موجب پیدایش این باور شده بود که انقلاب اسلامی در همه‌جا فراگیر خواهد شد.

نشست قاهره هم‌زمان با اوج‌گیری جنبش اسلامی الجزایر و پیروزی جبهه نجات اسلامی در انتخابات صورت گرفت. نشست قاهره با حضور نمایندگان چند کشور عربی همچون مصر، الجزایر، تونس، عربستان، عمان و... با هدف اندیشیدن به تدابیر امنیتی در جهت مقابله با بنیادگرایان در کشور‌هایشان برگزار شد. این واقعه بار دیگر اذهان را متوجه انقلاب اسلامی ایران و پتانسیل جنبش اسلامی در جهان عرب کرد.

◆ تأثیر انقلاب اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز

وقوع انقلاب اسلامی تأثیر عمیقی بر احیای اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز بر جا گذاشته است. گزارش‌های زیادی نشان می‌دهد که در میان تمام قشرهای این منطقه تمایل به مذهب

به‌ویژه اسلام روبه رشد بوده است و به‌رغم بیش از نیم قرن آموزش و القای تئوریهای حزبی و طراحی‌های اجتماعی و اقتصادی که با حمایت دولت و سرکوب شدید اسلام صورت می‌گرفت، نه تنها ایده انکار خداوند و عدم فایده مذهب به شکست انجامید بلکه مردم آشکارا و رسماً به سوی مذهب و اسلام گرایش می‌یابند. روزنامه تاجیکستان کمونیست در مقاله‌ای آورده است: اکنون موارد بیشتری از معتقدات مذهبی توسط مسلمانان فعال به جوانان مسلمان آموخته می‌شود. جزوات و نوارهای کاست با محتوای ایدئولوژی مخرب که آموزش‌های اسلامی است کپی می‌شود و پخش می‌گردد، حتی فیلم‌های ویدئویی با مضامین اسلامی از خارج می‌رسد و نمایش داده می‌شود. مردم جمهوری‌ها همچنین به رادیوهای خارجی که با هدف گسترش و توسعه عقاید مذهبی برنامه پخش می‌کنند گوش فرا می‌دهند.^۱

◆ تأثیر انقلاب اسلامی ایران در ترکیه

انقلاب اسلامی ایران پس از گذشت سال‌های اولیه، برای بسیاری از مسلمانان جهان بیش از آنکه به عنوان الگویی اجتماعی قابل تکرار باشد به مثابه منبعی الهام‌بخش تلقی گردیده که موجب تجدید توان حرکت اسلامی در این جوامع شده است. برخی از جلوه‌های اجتماعی این فرآیند در ترکیه، رشد رو به افزایش استفاده از پوشش اسلامی توسط زنان است. با پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال کودتای نظامیان در ترکیه، سرفصل جدیدی در مبارزه با اسلام‌گرایی تحت عنوان مبارزه با ارتجاع در این کشور آغاز شد.

در رابطه با گرایش‌های اسلامی در جامعه ترکیه، شاهد تظاهرات مسلمانان این کشور علیه امریکا و رژیم اشغالگر قدس بودیم و نمازهای جمعه بعضی از شهرستان‌های این کشور - به‌ویژه شهر استانبول - صحنه‌های باشکوهی از راهپیمایی و تظاهرات چشمگیر را در حمایت از مردم بوسنی و هرزگوین و محکوم کردن جنایات صرب‌ها به نمایش گذارده است. مردم

مسلمان ترکیه همچنین با برپایی تظاهرات مکرر، ضمن دفاع از آرمان‌های مردم مسلمان مصر و الجزایر، اقدامات ضداسلامی دولت‌های قاهره و الجزایر را محکوم کردند.^۱

◆ تأثیر انقلاب اسلامی در خاور دور

انقلاب اسلامی ایران برای بسیاری از مسلمانان جنوب شرقی آسیا پس از گذشت سال‌های اولیه، پیش از آنکه به عنوان یک الگوی اجتماعی و قابل تکرار مطرح باشد، به مثابه منبعی الهام‌بخش تلقی گردید. انقلاب در ابتدا به منزله نمونه‌ای از پیروزی اسلام بر نیروهای امپریالیستی و غیراخلاقی پدیدار شد؛ چنین زمینه‌ای سبب شد که واکنش‌های عمومی اولیه نسبت به انقلاب اسلامی بسیار مثبت باشد و رهبران مذهبی را مجذوب نماید. چنین استقبالی لزوماً به معنای اعلام موافقت با ساختارهای نهادی مشخصی که در ایران برقرار شد و یا دفاع از ترویج قوانین مذهبی نبود، بلکه برای بسیاری از مردم آسیای جنوب شرقی این انقلاب بیشتر به منزله یک نماد، جلب توجه می‌کرد و موجب تجدید توان حرکت اسلامی در این جوامع شد.

◆ تأثیرات انقلاب اسلامی در اندونزی

انقلاب اسلامی ایران تأثیرات عمیقی در حیات فکری مسلمانان در جنوب شرقی آسیا و از جمله اندونزی به‌جا گذارده است. ترجمه و انتشار آثار امام‌خمينی(ره) و دیگر متفکران ایرانی مثل شریعتی و مطهری باعث تغییر تدریجی گفتمان رایج اسلامی در منطقه شده است. البته از آنجا که عقاید امام‌خمينی(ره) از سوی مقامات آن کشور به دقت کنترل و مهار می‌شود آثار محدودی در مورد فلسفه و اهداف امام منتشر شده است که علت آن عمدتاً به خاطر ترس از مقابله حکومت‌ها بوده است؛ ضمن اینکه در زمینه توصیف انقلاب و نقش امام آثار متعددی به

۱. همان.

چشم می‌خورد، اما آثار کسانی که در تدوین ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران مؤثر بوده‌اند در اندونزی دارای بازار خوبی است.

◆ امریکای لاتین

نماینده ولی‌فقیه در امریکای لاتین با اشاره به اثرات فرهنگی انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور چنین اظهار نموده است: تعدد مؤسسات فرهنگی، پژوهشی و تبلیغی، وجود کتابخانه‌های مجهز، باز شدن دست بزرگان و علما و بیشتر شدن ارتباط مردم با آنها از اثرات فرهنگی انقلاب اسلامی در کشور ماست.

تأسیس مراکز، مؤسسات و مساجد اسلامی در سراسر دنیا و فراهم کردن امکانات برای تحقیق غیرمسلمانان درباره اسلام از جمله اقدامات و اثرات فرهنگی انقلاب اسلامی است. به‌وجود آمدن حزب‌الله و احیای دین، قرآن، اسلام و آزادی مستضعفان در اکثر نقاط دنیا یکی دیگر از اثرات فرهنگی انقلاب در خارج از کشور است و همان شعارهای دوران انقلاب که موجب فروپاشی طاغوت و شاهنشاهی ایران شد امروز توسط آزادی‌خواهان جهان در کشورهای دنیا طنین‌انداز شده است که نشانگر صدور انقلاب به دنیا خصوصاً امریکای لاتین است.^۱

◆ چگونگی شکل‌گیری پیمان‌های جدید در پرتو انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران که در بهمن‌ماه سال ۵۷ متولد شد در عین داشتن اهداف سیاسی و اجتماعی نگاه خاصی به تمدن و جهان‌بینی اسلامی داشت. این رویداد در بیداری مسلمانان جهان و نوزایی باورهای دینی نقش عمده‌ای ایفا کرد.

هر چند تلاش زورمندان جهان به ویژه در غرب بر آن بوده است که همواره از انقلاب

اسلامی ایران چهره‌ای ضدفرهنگی و متجاوز ترسیم نمایند ولی رهبری فرزانه آن بر مفاهیم بکر و تازه‌ای که در روح انقلاب اسلامی موج می‌زند تکیه نموده و بر مشترکات آن با دنیا و اختصاصات منحصر به فرد آن که در مکاتب گوناگون و جریان‌های فکری و نحله‌های مختلف دنیا موجود نیست اصرار می‌ورزند به گونه‌ای که معتقد به پویایی و برجسته کردن و مقاومت و بیان نمودن و ترویج آن اختصاصات هستند.

از منظر امام‌راحل(س) مفهوم صدور انقلاب در واقع انتقال ارزش‌های معنوی و الهی آن و رساندن این رسالت به گوش جهانیان از طریق استفاده از امکانات و ابزارهای پیام‌رسانی می‌باشد که باید این هدف با استفاده از راهکارهای موجود مانند دعوت و تبیین مفاهیم و معارف اسلامی در جهان، معرفی و تبیین فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی، فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، تقویت وحدت امت اسلامی، احیای فرهنگ اهل بیت(ع) و ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی تحقق یابد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سرمنشأ تحولات عظیمی در منطقه و جهان گردیده و تأثیرات شگرف بین‌المللی را به دنبال داشته است. انقلابی که با تکیه بر ایمان و باورهای اسلامی و با شعار «نه شرقی، نه غربی» رژیم خودکامه شاه را سرنگون کرد و حکومت جمهوری اسلامی را در این سرزمین محقق ساخت. انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین و عظیم‌ترین رویدادهای قرن معاصر دارای برکات و نتایج بسیار بزرگ و درخشانی در ایران و جهان بود.

روژه گارودی، اندیشمند مسلمان فرانسوی، در یکی از مقالات خود انقلاب اسلامی ایران را این چنین توصیف می‌کند: به راستی انقلاب اسلامی که امام‌خمینی(ره) آن را رهبری کرد به هیچ‌یک از انقلاب‌هایی که در قبل برپا گردیدند شبیه نیست. در طول تاریخ انقلاب‌هایی بودند که به هدف تغییر نظام سیاسی برپا گردیدند. انقلاب‌های اجتماعی هم در جهان رخ داده است و نشانگر خشم فقرا علیه اغنیا بود. انقلاب‌های ملی هم خشم خود را علیه استعمارگران و غاصبان خالی کردند. اما انقلاب اسلامی ایران نیز دارای تمامی این انگیزه‌ها بود. این انقلاب علاوه بر موضوعاتی که گفته شد دارای معانی جدیدی بود که نه فقط حکومت سیاسی

اجتماعی استعماری را سرنگون کرد بلکه مهم‌تر از آن تمدن و جهان‌بینی خاصی را که در مقابل دین علم شده بود واژگون ساخت.^۱

انقلاب اسلامی ایران تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت. در عصری که می‌رفت عزت و شوکت اسلامی توسط استعمارگران و دشمنان اسلام پایمال گردد و اخلاق و ارزش‌های اسلامی به بوته فراموشی سپرده شود انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام‌خمينی(س) به وقوع پیوست که فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی را به ارمغان آورد و بارقه‌ای از امید را در دل میلیون‌ها مسلمان در گوشه و کنار دنیا زنده کرد و باعث تجدید حیات اسلام و زنده شدن مجد و عظمت دیرینه جهان اسلام گردید.

صدور انقلاب در منظر و اندیشه امام راحل(س) و مقام معظم رهبری، صدور پیام و رسالت انقلاب اسلامی و انتقال ارزش‌های معنوی و الهی به گوش جهانیان است که این امر در سایه زور و لشکرکشی انجام نمی‌شود بلکه جهت نیل به این هدف باید کلیه امکانات و ابزارهای پیام‌رسانی، محتوای پیام، موقعیت زمان و مکان و نیازهای مخاطبان در مناطق مختلف دنیا مورد توجه و دقت قرار گیرد.

انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی بود و به تعبیر شهید دکتر بهشتی «انقلاب ارزش‌ها» محسوب می‌شود. اکنون به طور اجمال به گوشه‌هایی از وظایف و اهداف استراتژیک نظام در خصوص انتقال و ابلاغ ارزش‌های والای فرهنگی در عرصه بین‌الملل اشاره می‌کنیم.

بدیهی است که مهم‌ترین بعد تأثیرگذاری نظام در دنیا همان بعد فکر، فرهنگ و اندیشه است که در این خصوص فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد: «اگر ما بتوانیم در صحنه فکر و فرهنگ کار شایسته‌ای انجام دهیم همه تهدیدهای مادی دنیا خنثی خواهد شد!»^۲

۱. نشریه شما، مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۰.

۲. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۱۱/۱۷.

۱. دعوت و تبیین مفاهیم و معارف اسلامی در جهان

یکی از رسالت‌های مهم انقلاب اسلامی‌مان در عرصه بین‌الملل، معرفی، احیا و گسترش تفکر و معارف اسلامی است. دشمنان و معاندان اسلام همواره می‌کوشند چهره اسلام را مخدوش سازند و حقایق را وارونه جلوه دهند. بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی دین و دینداری در سراسر جهان احیا گردید و دین و معنویت به صحنه اجتماع بازگشت. اصلاح تفکر دینی و زدودن خرافات و بدعت‌ها از چهره دین اسلام و پاسخگویی دینی به نیازهای فکری جامعه بشری از جمله اهداف اساسی انقلاب به شمار می‌رود.

امام خمینی(س) در این زمینه می‌فرماید: «ما موظف ایم که اسلام را در همه جای دنیا معرفی کنیم. اسلام مظلوم است الان در دنیا، غریب است در دنیا.»^۱

«مقصد این است که اسلام و احکام جهانگیر اسلام زنده بشود و پیاده بشود و همه در رفاه باشند و همه آزاد باشند همه مستقل باشند.»^۲

۲. بهره‌گیری از ابزار و شیوه‌های مناسب

رهبر معظم انقلاب نیز با تأکید بر رعایت موقعیت‌ها و ابزار و شیوه‌های ابلاغ پیام، به دیگر کشورها تصریح می‌کنند:

امروز در دنیا برای اثرگذاری کارها، پی‌درپی تئوری‌های فکری ساخته و پرداخته و القا می‌شود؛ برای اینکه ذهن‌ها که مخاطب و آماج این حمله فکری و معنوی هستند، خاضع و قانع و تسلیم شوند تا آنها بتوانند با امکان مادی و ثروتی که در اختیار دارند به مقاصد خود برسند. ماییم و تفکر و معارف اسلامی. ماییم و پیام انقلاب اسلامی. ما باید بتوانیم اینها را درست به دنیا برسانیم... ما باید بتوانیم مفاهیم و معارف اسلامی و آنچه را که متعلق به ماست بیان کنیم؛ البته باید با لحن و بیان روشنفکرانه و کاملاً

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۰۹.

۲. همان، ج ۷، ص ۳۶.

مترقی و با استفاده از واژگان متناسب با هر دوره و زمان باشد.^۱

۳. چگونگی رساندن پیام انسان‌ساز انقلاب اسلامی به گوش مسلمانان و جهانیان

چه تدبیری اندیشیده شود تا ارزش‌های فرهنگی انقلاب را به صورت مطلوب و منطقی به دنیا ابلاغ نماییم و مخاطبان و مشتاقان انقلاب را از آماج حملات فکری و فرهنگی دشمنان برهانیم؟ می‌بایست به صدور انقلاب مبادرت نمود، زیرا انقلابی که بر پایه مایه‌های فکری و فرهنگی نضج گرفته و رشد یافته است به جهت احساس رسالت انقلابی و وظیفه شرعی و انسانی‌ای که برای خود می‌بیند برای نشر و ترویج اندیشه‌های خود اقدام خواهد نمود و این مفهوم یعنی صدور انقلاب. صدور افکار و اندیشه‌هایی که انقلاب اسلامی براساس آنها و برای آنها صورت گرفته است، کسب استقلال و آزادی با تکیه بر اسلام می‌باشد. یکی از دستاوردهای ارزشمند انقلاب در منطقه و جهان، صدور انقلاب اسلامی است.

امام‌خمينی(س) و مسئولان برجسته نظام بارها روی این موضوع مهم تکیه کرده‌اند و در بیانات و نوشته‌های متعددی نسبت به صدور انقلاب اسلامی اظهارنظرهایی داشته‌اند. در ابتدای پیروزی انقلاب حضرت امام(س) فرمودند:

ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشم‌داشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست.^۲

ایشان همچنین در بخش دیگری از بیانات خویش در مورد صدور انقلاب می‌فرمایند:
بحمدالله امروز قدرت ایرانی و قدرت اسلام در ایران به طوری است که توجه همه ملت‌های ضعیف را به خودش معطوف کرده است و اسلام صادر شد در سرتاسر دنیا.
از این سیاه‌های عزیزی که در امریکا هستند و تا آفریقا و تا شوروی و همه‌جا نور

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۱۱/۱۷.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۲۵.

اسلام تابیده است و توجه مردم به اسلام شده است و منظور از صدور انقلاب همین

بود و تحقق پیدا کرد و ان شاء الله اسلام در همه جا غلبه بر کفر خواهد پیدا کرد.^۱

۴. تبیین معنا و مفهوم صدور انقلاب

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سرآغاز تحقق وعده الهی برای رهایی مستضعفان بود. این انقلاب همچون مشعل فروزانی راه رهایی ملت‌ها را از قیدوبند استکبار جهانی روشن کرد و به گفته شهید والامقام محمدجواد باهنر «انقلاب ایران اسلام عزیز را در دنیا حیات تازه‌ای بخشید».^۲

در این خصوص آقای گیز لاکرافت دانشمند آلمانی شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها «حافظ، گوته و پوشکین» با اعلام این مطلب گفت: «اسلام در دهه‌های اخیر به الگو و مکتب نیرومندی تبدیل شده که در سایه آن، مبارزه شدید با مادیگری و برای احیای معنویت جریان دارد».

تجدید حیات جوامع اسلامی و رشد روزافزون معنویت و بیداری ملت‌های تحت ستم در سایه پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد تا ماشین جنگ روانی غرب با تمام قدرت و توان خویش فرآیند مخدوش‌سازی چهره انقلاب اسلامی را با شیوه‌ها و ابزارهای مختلف درپیش‌گیرد تا در ارزش‌های اسلامی و امکان اجرای آنها در قرن بیستم شک و تردید ایجاد کند. یکی از توطئه‌های استعماری آنان تحریف و وارونه جلوه دادن صدور انقلاب بود به گونه‌ای که هدف از صدور انقلاب را که دعوت به اسلام بود به معنای تجاوز به سرزمین دیگران و جنگ و زورگیری معرفی کردند.

امام خمینی(س) در مقام تبیین معنا و مفهوم صدور انقلاب اسلامی تصریح می‌کنند:

ما که می‌گوییم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم معنایش این نیست که ما سوار طیاره

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۱۵.

۲. محمدجواد باهنر، مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی، «نقش قیامتی انقلاب اسلامی»، فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.

بشویم و بریزیم به ممالک دیگر؛ یک همچو چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم؛ اما آنکه ما می‌توانیم این است که می‌توانیم به وسیله دستگاه‌هایی که داریم به وسیله همین صدا و سیما، به وسیله مطبوعات، به وسیله گروه‌هایی که به خارج می‌روند اسلام را آن‌طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن‌طوری که هست معرفی بشود مورد قبول همه خواهد شد.^۱

شهید محمدجواد باهنر می‌گوید: صدور انقلاب صدور تجاوز و جنگ و به معنای گرفتن زمین‌های دیگران نیست... صدور انقلاب به معنای صدور پیام و صدور رسالت انقلاب است؛ صدور ارزش‌هایی مانند استقلال، عدم وابستگی، خودکفایی، خصلت‌های انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار حمایت از مستضعفان و...^۲

امام خمینی(س) در جایی دیگر به منظور جلوگیری از هرگونه برداشت غلط از معنای صدور انقلاب خاطر نشان می‌سازند که معنی صدور انقلاب ما این است که این بیداری اسلامی در همه ملت‌ها ایجاد شود و صدور انقلاب با زور و کشورگشایی نیست بلکه در پرتو اسلام و اخلاق اسلامی است.

ایشان می‌فرمایند:

اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه‌جا صادر بشود این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. آرزوی ما این است...^۳

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۶۴.

۲. محمدجواد باهنر، همان، ص ۳۶۶ - ۳۶۴.

۳. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۸.

همچنین مقام معظم رهبری با اشاره به ضرورت شناسایی مفاهیم جدید انقلاب و عرضه آنها به مشتاقان و طالبان حقیقت در سطح جهان می‌فرمایند:

انقلاب اسلامی و نظام اسلامی مفاهیم بکر و تازه‌ای در دنیا دارد. مفاهیمی دارد که اگرچه مشترکاتی با دنیا دارد اما اختصاصاتی دارد که این را از شبیه خودش در مکاتب گوناگون و جریان‌های فکری و نحله‌های فکری دنیا جدا می‌کند؛ باید آن را در بیاوریم و پایش هم بایستیم و بیان کنیم.^۱

ایشان می‌فرمایند:

ماییم و تفکر و معارف اسلامی. ماییم و پیام انقلاب اسلامی. ما باید بتوانیم اینها را درست به دنیا برسانیم. انقلاب اسلامی ایران در عین داشتن اهداف سیاسی و اجتماعی نگاه خاصی به جهان‌بینی و تمدن اسلامی داشت. این رویداد در بیداری مسلمانان جهان و نوزایی باورهای دینی نقش عمده‌ای ایفا کرد.^۲

حضرت امام(س) می‌فرمایند:

صدور انقلاب به لشکرکشی نیست بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم که یکی از آن مراکز، وزارت امور خارجه است که باید مسائل ایران و اسلام و گرفتاری‌هایی که ایران از شرق و غرب داشته است، به دنیا برساند و به دنیا بگوید که می‌خواهیم این‌گونه عمل کنیم.^۳

از منظر امام‌راحل(س) مفهوم صدور انقلاب در واقع شناخت و انتقال ارزش‌های الهی و معنوی آن و رساندن این رسالت به گوش جهانیان است که این هدف باید در محورهای تبیین مفاهیم و معارف اسلامی برگرفته از انقلاب اسلامی در جهان و دعوت به آن، معرفی و تبیین فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی، فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۱۱/۱۷.

۲. همان.

۳. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۱۴.

ملت‌ها، تقویت وحدت میان امت اسلامی و احیای فرهنگ اهل بیت(ع) از طریق هنر و ادبیات مناسب و به‌روز و با بهره‌گیری از تمامی امکانات تبلیغی، رسانه‌ای، ارتباطات جمعی و... تحقق یابد.

ایشان در این خصوص همواره به مسائل روز دنیا و نقش جمهوری اسلامی در حمایت از محرومان و مستضعفان جهان و کمک به ملت‌های دربند به منظور رهایی و تلاش در جهت وحدت زیر سایه کلمه «لا اله الا الله» تأکید داشتند و یکی از سیاست‌های خارجی اصولی را تلاش در جهت صدور انقلاب و تبیین مواضع عدالت‌خواهانه و اسلام‌محور و همچنین رمز ماندگاری در مسیر درست انقلاب را تداوم در این مبارزه تا پیروزی نهایی بر مستکبران و فراگیر شدن اسلام می‌دانستند. کلام نافذ امام‌خمينی(س) در این‌باره بسیار راه‌گشا است که می‌فرمایند:

ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم. جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیا است. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم اهل عربستان است... دعوتش مال همه عالم است.^۱

تأکید حضرت امام همواره بر دوری از الگوگیری و متأثر شدن از فرهنگ‌های بیگانه و حفظ روحیه انقلابی و ایمان برای الگوشدن در میان سایر کشورها بود.

با این ایمان، با این انقلاب و روح انقلابی شما ان‌شاءالله پیروز می‌شوید، پیروزی را به آخر می‌رسانید و ان‌شاءالله از کشورهای خودتان به کشورهای خارجی، کشورهای اسلامی سرایت می‌کند.^۲

از اقدامات مهم در خصوص بهره‌گیری از این موقعیت (تبیین معنا و مفهوم صدور انقلاب) توجه به سخن و پیام نو انقلاب است که برای دنیا ویژه است. رهبر انقلاب در این‌باره

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۴۶.

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۵۲.

می‌فرمایند:

انقلاب، دو جهت داشت؛ یک جهت، مبارزه با استبداد داخلی و حکومت فاسد و ابسته‌ای [بود] که مردم و کشور را بدبخت و بیچاره کرده بود. انقلاب می‌خواست کشور و ملت را نجات دهد؛ در دامن اسلام، مردم اداره شوند و حکومت، اسلامی باشد. جهت دیگر، وجهه سخن و پیام نو برای دنیا و بشریت است؛ این چیزی است که دنیا را به خود جذب کرد و الا فلان متفکر اروپایی یا غربی یا آفریقایی یا امریکایی لاتین که امام و انقلاب و نظام اسلامی و حرکت مردم را ستایش می‌کند، او که داخل کشور ما نیست تا از حکومت، چیزی فهمیده باشد؛ پیام جهانی و انسانی اسلام است که او را به ستایش وادار می‌کند. جنبه دوم، بسیار مهم است؛ ما باید بتوانیم این را بیان کنیم.^۱

از جمله این اقدامات (حفظ و صدور پیام و سخن نو برای دنیا و بشریت)، پایداری و مقاومت در راه حفظ انقلاب است که امام(س) می‌فرمایند:

ملت ما در این انقلابی که کرده است، تا حالا استقامت کرده است و بحمدالله تا حالا پیروز شده است. شما پیروزید در دنیا، شما مطرح شده‌اید در دنیا، در همه گوشه‌های دنیا، دولت‌های دنیا از شما یک نحو هراسی دارند که مبادا یک وقت ملت‌هایشان مثل شما بشود. شما تا حالا پیروزید. استقامت کنید تا پیروزی نهایی به دستتان بیاید.^۲

◆ نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران، که برخی از آن به عنوان آخرین انقلاب قرن بیستم یاد می‌کنند و برخی آن را انقلاب دوران پست‌مدرن می‌دانند، بدون تردید یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخی قرن بیستم می‌باشد که خود سازنده بسیاری از حوادث تاریخی و تحولات سیاسی و اجتماعی است. این واقعه نه تنها موجب سرنگونی نظام شاهنشاهی و تحولات بنیادین در عرصه‌های اجتماعی و

۱. مقام معظم رهبری، ۸۰/۱۱/۱۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۵۰۸.

سیاسی در ایران شد، بلکه در خارج از مرزهای ایران نیز بازتابها و آثار فراوان و متنوعی را از خود به جای گذاشت. بسیاری از نظریه‌پردازان غربی معتقدند انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی که به دنبال این انقلاب بر ایران حاکم شد، الگو و نمونه مناسبی برای کشورهای مسلمان نبوده و هیچ‌یک از ملت‌ها و کشورهای مسلمان خواهان ایجاد نمونه‌ای مشابه نظام جمهوری اسلامی ایران در کشور خود نیستند؛ بنابراین این انقلاب، تأثیر مثبتی در جهان اسلام نداشته است و به تعبیری اندیشه صدور انقلاب که توسط حضرت امام(س) مطرح شد، به شکست انجامیده است.^۱

در حالی که به نظر می‌رسد برعکس آنچه این نظریه‌پردازان تصور کرده‌اند، اسلامی و ایدئولوژیک بودن این انقلاب، موجب تأثیر ویژه آن در جهان اسلام و کشورها و ملت‌های مسلمان شده است؛ در این زمینه می‌توان به تأثیرات شگرف و مهم انقلاب اسلامی ایران بر مبارزات مردم فلسطین که یکی از همین کشورهاست، اشاره کرد.

انقلاب ایران در بیرون از مرزهای این کشور نیز مورد توجه مبارزان و کسانی که طرفدار دگرگونی و تغییر در ساختار سیاسی کشورهایشان بودند قرار گرفت. الگوبرداری از مبارزات ملت ایران برای سرنگونی دولت‌های دست‌نشانده در منطقه و جهان شروع شد و جنبش‌ها و احزاب زیادی در گوشه و کنار جهان با الهام از پیروزی انقلاب ایران به وجود آمد.

◆ بازتاب عمومی انقلاب اسلامی در بین سران و دولت‌ها

مطالعه و بررسی واکنش دولت‌های جهان که همگی عضو سازمان ملل هستند اعم از دولت‌های غربی، شرقی، جهان سوم و حتی دولت‌های اسلامی، نشان می‌دهد که در مجموع دولت‌های معاصر عموماً از پیروزی انقلاب اسلامی (این تحول و رخداد عظیم تاریخی) استقبال به عمل

۱. باری روزن (گردآورنده)، همان، «احیای مجدد اسلام در گذشته و حال با تأکید بر ایران»، نیکی آرکدی، ص ۵۳ -

نیاوردند و با نوعی حیرت، سرگردانی و حتی شگفتی به این پدیده نوظهور که برای هیچ‌کدام از آنها قابل پیش‌بینی و تصور نبود نظر می‌افکندند. از طرف دیگر هرکدام از آنها به نوعی نگران اثرات انقلاب بر جامعه خود و آینده ثبات نظام حاکم بر کشورشان بودند.

◆ ملتها

از آنجا که انقلاب اسلامی، انقلابی مردمی و در واقع از مردمی‌ترین انقلاب‌ها بوده است، طبیعتاً توجه ملتها را بیشتر به خود جلب نموده و آنها را تحت تأثیر قرار داده است لذا آنها نیز با نگرشی مثبت از انقلاب اسلامی استقبال کرده‌اند. این استقبال و عطف توجه با درجاتی متفاوت عمومیت داشته است و انقلاب اسلامی با نسبتی معکوس نسبت به دولت‌ها مورد استقبال ملتها قرار گرفته است. هر اندازه که ملت ایران در نیل به اهداف انقلابی خود با ملتهاى دیگر وجه اشتراك داشته، به همان نسبت استقبال گسترده‌تر بوده است.

◆ نظام بین‌الملل

انقلاب اسلامی در زمانی شکل گرفت که نظام جهانی بر پایه غرب‌محوری نزدیک به چهار قرن به عنوان یک امر بدیهی و تثبیت‌شده توسط جامعه جهانی پذیرفته شده بود. هر نوع تحولی که در این نظام در ابعاد گوناگون فکری، فرهنگی، اقتصادی و گفت‌وگوهای جدید مطرح می‌گردید، نشئت‌گرفته از غرب بود و هیچ‌گاه غرب‌محوری را به چالش نکشیده بود؛ حتی انقلاب‌های بزرگ جهان که در خارج از جهان غرب به‌وقوع پیوست مانند آنچه در ۱۹۴۹ در چین و یا در ۱۹۵۹ در کوبا رخ داد تابعی از نظام‌های فکری و قانونمندی‌های برخاسته از غرب بوده است؛ در حالی که انقلاب اسلامی به عنوان تحولی جدید توانست نظام جهانی غرب‌محور را در ابعاد مختلف به چالش بکشانند. از این ابعاد می‌توان به عنوان اطلاعات استراتژیک فرهنگی نام برد:

۱. احیای اسلام به عنوان یک مکتب جامع و جهانی؛

۲. فروپاشی نظام دوقطبی و ایجاد چالش برای نظام‌های طراحی‌شده در غرب؛
۳. تغییر گفتمان منازعات جهانی؛
۴. خیزش جهانی مستضعفان علیه مستکبران؛
۵. طرح اسلام سیاسی به عنوان گفتمان جدید؛
۶. نفی نظام غرب‌محور؛
۷. جهان اسلام به عنوان قدرت مطرح در نظام جهانی؛
۸. تغییر معیارهای قدرت در نظام بین‌الملل؛
۹. طرح سه عنصر معنویت، اخلاق و عدالت در نظام بین‌المللی؛
۱۰. آغاز تهاجم جهان اسلام؛
۱۱. بازگشت به شکوه و عظمت تمدن اسلامی؛
۱۲. تغییر گفتمان انقلاب؛
۱۳. جمهوری اسلامی به عنوان یک الگو از نظام سیاسی اسلامی و قدرت منطقه‌ای؛
۱۴. رهبران انقلاب اسلامی به عنوان الگوهای جدید رهبری؛
۱۵. طرح الهیات رهایی‌بخش.